

پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی
سال هفتم، شماره پیاپی ۲۰، شماره اول، بهار ۱۳۹۷
تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۱/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۸/۲۱
صص ۱۹-۴۲

مطالعه پیمایشی هویت‌طلبی قومی و سیاسی شدن قومیت‌گردهای ایران

امید قادرزاده، دانشیار، گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه کردستان، ایران*

حسین محمدزاده، استادیار، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور سنندج، ایران

چکیده

در دنیای معاصر، مسائل قومی از بغرنج‌ترین و همچنین، تأثیرگذارترین مسائل اجتماعی و سیاسی محسوب می‌شوند. در چند دهه اخیر شناسه‌های هویتی در مناطق کردنشین برجسته شده و رنگ سیاسی به خود گرفته است. جغرافیای سیاسی منطقه نیز این مسئله را پیچیده و به تبع آن، مدیریت مسالمت‌آمیز منازعات اجتماعی را دشوار کرده است. با در نظر گرفتن نوع زندگی چندقومی جامعه ایران و تحولات جهانی بررسی تعلقات و ترجیحات هویتی به طور فزاینده‌ای اهمیت پیدا کرده است. این پژوهش به روش پیمایش انجام شده و در آن با ۱۱۰۳ نفر از کردهای ساکن مناطق کردنشین مصاحبه شده است. مطابق نتایج توصیفی در میان افراد نمونه، هویت‌طلبی قومی در ابعاد سیاسی، فرهنگی و اقتصادی اجتماعی شدت یافته است. همچنین، بر مبنای نتایج تبیینی در این مناطق، متغیرهایی مانند میزان توسعه مناطق کردنشین، همبستگی قومی، میزان الگوپذیری از نخبگان قومی، میزان ارتباطات درون قومی و بین قومی، میزان استفاده از رسانه‌های ارتباطی، میزان احساس محرومیت و تبعیض و نیز هم‌جواری جغرافیایی با عامل هویت‌طلبی قومی به طور مثبت و معناداری رابطه دارند و در مجموع، این موضوع ۶۷ درصد از تغییرات هویت‌طلبی قومی را تبیین کرده است.

واژه‌های کلیدی: هویت‌طلبی قومی، احساس تبعیض، میزان توسعه، مناطق کردنشین.

مقدمه و بیان مسأله

قومیت و قوم‌گرایی به‌ویژه در وجه ابزاری و سیاسی‌شده آن، از مهم‌ترین دل‌مشغولی‌ها و موضوعاتی هستند که ذهن اندیشمندان علوم اجتماعی را به خود معطوف کرده‌اند. استیون بر این باور است که «مسائل نژادی، قومیت و جنسیت» به میزان زیادی جایگزین مطالعات مربوط به طبقه و اقتصاد شده و به‌صورت محور اصلی مباحث در آمده‌اند (Hav, 1992 in: محمدزاده، ۱۳۹۰: ۱۱). داده‌های تاریخی و معاصر نشان می‌دهند قومیت در تمام اشکال آن، به شکل یک نیروی بالقوه فعالیت جمعی باقی مانده و انسجام آن از جنسیت، طبقه و هرنوع شکل اجتماعی دیگر بیشتر بوده است (مالشویچ، ۱۳۹۱: ۲۱۵). به احتمال زیاد در آینده‌ای نه‌چندان دور، از وجه ناسیونالیستی قومیت، برای مقاومت در برابر همگن‌سازی مصنوعی دولت‌ها بهره گرفته خواهد شد (Guibernau, 2001: 242).

جنبش‌های قومی یا ملی و کاربرد سیاسی آنها محصول دوران مدرن است. جریان‌های قومی پدیده‌ای بسیار قدیمی هستند و جدایی هر قوم از اقوام دیگر به کمک خصوصیات فرهنگی خود، مسئله‌ای تاریخی است؛ اما ادعای سیاسی اقوام برای به دست گرفتن قدرت، مسئله‌ای جدید محسوب می‌شود. ظهور ناسیونالیسم به‌صورت پدیده‌ای اجتماعی سیاسی با تأسیس نخستین موج دولت‌های ملی در اواخر قرن هیجدهم و اوایل قرن نوزدهم هم‌زمان است؛ اما در نظر گرفتن آن به شکل امری چالش برانگیز، به دهه‌های ۳۰-۱۹۲۰ بر می‌گردد (اوزکریملی، ۱۳۸۳: ۱۱).

طبق شواهد گوناگون، مسائل قومی از بغرنج‌ترین و درعین‌حال، تأثیرگذارترین مسائل اجتماعی و سیاسی در دنیای معاصر محسوب می‌شود. باتوجه به برخی قرائن و شواهد، به نظر می‌رسد تشدید هویت‌ها و پویش‌های قوم، یکی از بارزترین مظاهر دینامیسم سیاسی و اجتماعی ایران در آینده‌ای نزدیک خواهد بود و عوامل این مسئله عبارت‌اند از: تشدید گسست میان هویت ملی و قومی، تصاعد مطالبات اجتماعی منزلتی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، رشد فزاینده

سازمان‌ها، نهادها، انجمن‌ها و مراکز قومی، تکوین احساسات قوم‌گرایانه افراطی در میان برخی از نخبگان، روشنفکران و احزاب سیاسی، افزایش بیگانگی سیاسی و ایجاد فاصله میان اقوام و نظام سیاسی، بروز و ظهور مطالبات قومی در فرصت‌های انبساط سیاسی مانند انتخابات ملی و محلی (کریمی‌مله، ۱۳۸۸: ۲۳).

هرگاه عناصر قومی مبنایی برای مطالبات سیاسی شوند، هویت‌طلبی قومی و سیاسی شدن قومیت (قوم‌گرایی سیاسی) پدیدار می‌شود. این وجه از قوم‌گرایی مرز ملت را با مرز گروهی قومی و خاص، مشخص و محدود می‌کند (ماتیل، ۱۳۸۳: ۱۴۱۱). این مفهوم توسط والکر کانر^۱ ابداع شد و مضمون اصلی آن، تأکید بر تعلقات فرهنگی و اجدادی جامعه‌ای معین، به صورت مبنایی ضروری برای حق حاکمیت است (احمدزاده، ۱۳۸۶: ۴۸). در اینجا ملت شامل انسان‌های آزادی است که خود را به پیروی از قانونی برآمده از ملت متعهد کرده‌اند. در حوزه سیاسی این گونه از قوم‌گرایی به دنبال ایجاد احساس، علاقه، تعهد، تفکر، رفتار و تحریک‌کردن تلاش برای انجام خواست‌های قومی است. در این حالت، خواست‌های قومی بر تقسیم قدرت و هم‌پوشانی مرز سرزمینی با مرز فرهنگی متمرکز است.

گردها پس از عرب‌ها، فارس‌ها و ترک‌ها بزرگ‌ترین بلوک قومی را در خاورمیانه تشکیل داده‌اند (Olson, 1989: 6). جنبش قومی‌گردد در چهار کشور ایران، ترکیه، عراق و سوریه، همواره برای دولت‌های مرکزی این کشورها مسئله ساز بوده و در وضعیت کنونی، این مسئله به یکی از معضلات خاورمیانه تبدیل شده است. در دو دهه اخیر تحولات ایجادشده در کردستان عراق، ترکیه و سوریه تحقق برخی از خواست‌های فرهنگی و سیاسی کردها را نشان می‌دهد و در این میان، این موارد از این قبیل مسائل هستند: تشکیل کانتون‌های خودمدیریتی در مناطق کردنشین سوریه در سال ۲۰۱۲ و موفقیت کردهای عراق در تشکیل حکومت خودمختار

^۱ Connor Walker

گُردنشین، عرب‌نشین و بلوچ‌نشین با رضاشاه و بحران بزرگ قومی بعد از سقوط او که نزدیک بود به جدایی آذربایجان و گُردستان از ایران بینجامد. باتوجه به نقش تعیین‌کننده مذهب یا ایدئولوژی شیعی در سیاست‌های هویت‌سازی پس از انقلاب، گُردهای ایران که عمدتاً پیرو مذهب تسنن و شافعی مذهب هستند، با چالشی مذهبی روبه‌رو شده‌اند. این امر، ضمن تقویت هویت قومی مذهبی مسائل و تنش‌های قومی را مجدداً در عرصه عمومی جامعه ایران مطرح کرده است.

در سال‌های اخیر، جنبش گُردی بیشتر در قالب «مقاومتی اجتماعی» ظاهر شده است؛ به طوری که نشانه‌های این مقاومت به خوبی در رفتار انتخاباتی مردم گُرد از سال ۱۳۷۲ تا ۱۳۸۴ مشاهده می‌شود (جلایی‌پور، ۱۳۸۵: ۱۴۱). در سال‌های اخیر، از لحاظ فرهنگی نیز نمودهای این مقاومت اجتماعی شامل این موارد می‌شوند: افزایش کتب و نشریات و نام‌گذاری کودکان به زبان گُردی، تمایل جوانان و تحصیل‌کردگان گُرد به خواندن و نوشتن به زبان گُردی، تشکیل انجمن‌های ادبی و فرهنگی، برگزاری تجمعات و راهپیمایی در حمایت از گُردهای سایر کشورها^۱ که در آنها تمایلات ناسیونالیستی کاملاً برجسته بوده است. با در نظر گرفتن این نکته که زمینه‌های چنین بحران‌هایی همچنان در جامعه ایران خودنمایی می‌کنند، اهمیت این قضیه آشکار می‌شود. کردها در طول تاریخ از مدافعان سرزمین، مردم و فرهنگ ایران‌زمین بوده‌اند و اشتراکات فرهنگی و سرنوشت مشترک تاریخی مانند عاملی پیونددهنده و انسجام‌بخش عمل کرده است؛ بنابراین، در این مقاله این سئوالات مطرح می‌شوند: ۱- در وضعیت کنونی میزان هویت‌طلبی قومی در مناطق گُردنشین در ابعاد سیاسی، فرهنگی و اقتصادی اجتماعی چگونه است؟ ۲- عوامل مؤثر

گُردستان. احزاب گُرد سوریه به کمک همین کانون‌ها کنترل بخش‌های گُردنشین این کشور را به دست گرفته‌اند و این تحولات بر خواست‌های هویتی در میان گُردهای ایران نیز اثرگذار بوده است. هرگاه ایران و کشورهای همسایه آن، مثل ترکیه، عراق و سوریه با مسائل قومی درگیر بوده‌اند، گُردها به شکل یکی از مؤلفه‌های ثابت در این مناقشات نقش داشته‌اند. بر مبنای مطالعات تجربی در ایران شکاف قومی در میان گُردها فعال و بر پایه آن آگاهی سیاسی، سازمان‌دهی و عمل سیاسی انجام شده است (رمضان‌زاده، ۱۳۷۲، به نقل از بشیریه، ۱۳۸۰: ۱۳۷). همچنین، ناسیونالیسم مبتنی بر قومیت کردها نخستین بار در میان گُردهای ایران جلوه‌گر شده است (مک‌داول، ۱۳۸۳: ۳۹۵). باوجود داشتن آمال ملی‌گرایانه، گُردها در خاورمیانه هرگز وحدت سیاسی نداشته‌اند (هی‌وود، ۱۳۸۳: ۲۸۱).

با تشکیل دولت مدرن و کاهش قدرت ایلات، جنبش‌های متعددی از جمله قیام ملا خلیل، قیام جعفرخان، محمدخان دزلی، سیمکو و جمهوری کردستان روی داد. پس از جنگ جهانی دوم، جمهوری کردستان در مه‌آباد شکل گرفت که بنیادی شهری و روستایی داشت و بدنه اصلی آن را اقشار متوسط شهری تشکیل می‌دادند (ماتیل، ۱۳۸۳: ۱۱۴۶). در سال ۱۳۲۴ تشکیل جمهوری خودمختار کردستان در مه‌آباد، رخدادی مهم در تاریخ ناسیونالیسم قومی گُرد به شمار می‌آید؛ اما این جمهوری خیلی زود سقوط کرد و حکومت مرکزی بار دیگر کنترل کردستان را به طور کامل در اختیار گرفت. پس از سقوط این جمهوری روشنفکران و فعالان سیاسی گُرد، تبلیغ ایدئولوژی ناسیونالیسم قومی را در کردستان ادامه دادند؛ به طوری که در حال حاضر، گفتمان ناسیونالیسم گُردی در لایه‌های زیرین جامعه به حیات خود ادامه می‌دهد.

ناتوانی سیاست‌های هویت‌سازی رژیم پهلوی در ایجاد ملت بر طبق هنجارهای دموکراتیک و اصول شهروندی موجب شد در ایران مقوله جدیدی به نام «جنبش‌های مقاومت قومی» شکل بگیرد. در این زمینه، به این موارد اشاره می‌شود: مقاومت و درگیری‌های حکام محلی در مناطق گُردنشین،

^۱ برای نمونه از سال ۱۳۷۷ تا ۱۳۷۹ در کردستان ۲۲ مورد تظاهرات و ناآرامی‌های خیابانی رخ داده که حادثه سوم اسفند ۱۳۷۷ مهم‌ترین آنها است (چوبتاشانی، ۱۳۸۲، به نقل از طالبی و عبوسی، ۱۳۹۴: ۱۳۸). در تابستان و پاییز سال ۱۳۹۳ در بیشتر شهرهای مناطق گُردنشین، کمپین‌هایی برای کمک به آوارگان شنگال (گُردستان عراق) و راهپیمایی‌هایی برای حمایت از مردم شهر کوبانی (گُردستان سوریه) برگزار شده است.

گسترده بودن این دغدغه علمی و اجتماعی را نشان می‌دهند که این موضوع، با توجه به اوضاع بین‌المللی و منطقه‌ای بیشتر جذابیت دارد و در پژوهش‌های خارجی هم به‌طور چشمگیری بازتاب داشته است (برای مثال، Gurr and Scarritt, 1989; Vali, 1998, 2016; Entesar, 1992; Ramaezanzadeh, 1994; Romano, 2002).

یکی از رویکردهای مسلط در مطالعات قومی رویکرد نوگرایی است که در چارچوب این رویکرد، سیاسی شدن خواست‌های قومی در میان کردها و تیلور آن در قالب شکاف‌های قومی ماهیتی واکنشی (دیالکتیک انکار و مقاومت) دارد (احمدی، ۱۳۷۸، مقصودی، ۱۳۸۰، صالحی‌امیری، ۱۳۸۵، Gurr and Scarritt, 1989; Vali, 1998, 2016; Entesar, 1992; Ramaezanzadeh, 1994; Romano, 2002). برای این اساس، ظهور دولت مدرن و سیاست‌های هویت‌سازی و هویت‌بانی دولت‌ها، الگوهای مدیریتی، ساخت نابرابر اجتماعی، نخبگان سنتی یا مدرن قومی، احزاب سیاسی کردستان، و تأثیرپذیری از محیط گفتمان سیاسی مسلط بین‌المللی (اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم) در جذب کردها در درون اندیشه قومیت و ملی‌گرایی قومی سهیم بوده است. در چارچوب همین رویکرد، بیشتر پژوهش‌ها و پایان‌نامه‌ها (محمدزاده، ۱۳۸۰، بلالی، ۱۳۸۴ و قادرزاده، ۱۳۸۸) به متغیرهایی چون نابرابری‌های اجتماعی، انسداد اجتماعی، توسعه نامتوازن، احساس محرومیت و تبعیض، جهانی شدن فرهنگی و رسانه‌های ارتباط جمعی توجه کرده‌اند. ماهیت رویکرد نمادگرایی قومی در زمینه هویت‌خواهی قومی به دلیل اتکا به عوامل ذهنی و عینی و عناصر قدیمی و جدید تلفیقی است. امیراحمدی (۱۳۷۴) با واکاوی منابع متعدد، این عوامل را در توسعه بالقوه جنبش‌های قومی و احتمال بسیج قومی در ایران مؤثر می‌داند: عوامل ذهنی (متغیرهای فرهنگی، ایدئولوژیکی و روان‌شناختی به صورت عوامل غیرقابل مذاکره) عینی (اقتصادی و اجتماعی به صورت عوامل قابل مذاکره) و دستاوردهای احتمالی جامعه قومی در مواجهه با حکومت مرکزی (متأثر از موازنه طرفین). از نظر زمانی جنبش‌های مذکور در طول جنگ یا بلافاصله پس

بر تغییرات هویت‌طلبی قومی در مناطق کردنشین کدامند؟ و ۳- با توجه به نتایج پژوهش، برای مدیریت مسالمت‌آمیز، منطقی و عملی هویت‌طلبی قومی چه راهکارهایی ارائه داده می‌شوند؟

پیشینه تحقیق

هویت‌طلبی قومی و سیاسی شدن مطالبات قومی در زمره موضوعاتی است که پژوهشگران داخلی و خارجی به آن توجه کرده‌اند و این مسئله از زوایای مختلف و با به کارگیری رویکردهای نظری و روشی مختلف بررسی شده است. تامپسون، در کتاب *ناسیونالیسم اروپایی* با در نظر گرفتن ماهیت شکل‌گیری گرایش‌های ناسیونالیستی ناسیونالیسم را در ابعاد قومی فرهنگی، تجزیه‌طلبانه، ضداستعماری، افراطی، توسعه‌طلبانه، نژادپرستانه، باز و بسته، خوب و بد و پیشرو و ارتجاعی دسته‌بندی کرده است (تامپسون، ۱۳۷۰). عاطفه فراهانی نیز در مقاله «مفاهیم و نظریات مطالعات قومی» از رونق سه نوع ناسیونالیسم یاد می‌کند: قومی جدایی‌خواه و تجزیه‌طلبانه، الحاق‌گرایانه و ناسیونالیسم قومی با مطالبات فزاینده و انفجارهای خطرناک سیاسی (فراهانی، ۱۳۸۶). ضیاءالدین احمدی در کتاب *نگاهی به جنبش ناسیونالیسم عرب*، توضیح می‌دهد که ظهور و نضج ناسیونالیسم در کشورهای جهان سوم به دلیل استعمار و سلطه‌گری غرب بوده است. او سه عامل توسعه این مسئله را مطبوعات، مراکز تعلیم و تربیت و احزاب و انجمن‌ها و گروه‌های سازمان‌یافته می‌داند (ضیاءالدین، ۱۳۶۵).

در این زمینه، موضوعات مهم بازنمایی روبه رشد قومیت و مباحث مرتبط با کردهای ایران است که در مراکز آموزشی و پژوهشی انجام و به ویژه در پایان‌نامه‌های دانشجویی (برای مثال، فاروقی، ۱۳۷۱، مولودی‌سیبان، ۱۳۷۳ و حیدری‌فارفار، ۱۳۷۴، به نقل از مقصودی، ۱۳۸۰، محمدزاده، ۱۳۸۰، بلالی، ۱۳۸۴، قادرزاده، ۱۳۸۸ و محمدزاده، ۱۳۹۰) یا در قالب کتاب (جلایی‌پور، ۱۳۸۵، احمدی، ۱۳۷۸، مقصودی، ۱۳۸۰ و صالحی‌امیری، ۱۳۸۵) و گزارش پژوهشی (چلبی، ۱۳۷۸ و گل‌محمدی، ۱۳۸۴) ثبت شده‌اند. این پژوهشات،

سنجش تجربی عوامل مدنظر در دستگاه جامع مفهومی امیراحمدی (۱۳۷۴) است. این مسائل در تحقیقات موجود به صورت علمی و تجربی کمتر بررسی شده‌اند.

مبانی نظری و مفهومی پژوهش

در ادبیات نظری مرتبط با قومیت‌گرایی و هویت‌طلبی قومی دو رویکرد نظری اصلی مشخص هستند: رویکرد نخست قدیمی‌گرایی نامیده می‌شود که ماهیت و چیستی قومیت و هویت‌طلبی قومی را ارزیابی می‌کند. این رویکرد بر عناصر تمایزبخش قومی مثل زبان، مذهب، سرزمین و... متمرکز است. رویکرد قدیمی‌گرایی قومیت را به صورت الگوی پایدار زندگی فردی و گروهی در نظر می‌گیرد که در طول تاریخی طولانی دوام آورده است. رویکرد دوم، موقعیت‌گرایی است که روابط قومی را پویا، سیال و متغیر تصور می‌کند که این روابط نه جزو صفات گروه، بلکه منظری از روابط میان گروه‌ها در نظر گرفته می‌شود و مرزهای قومی لزوماً با مرزهای فرهنگی انطباق‌پذیر نیست. هدف موقعیت‌گرایان، تشریح انسجام گروهی، ثبات و شدت پیوستگی گروهی و تأکید بر جنبه‌های احتمالی و کیفیت‌های تاریخی، ساختاری و فرهنگی این روابط است. به باور مالشوویچ، به‌جز جامعه‌شناسی زیستی و کارکردگرایی که در چارچوب قدیمی‌گرایی به مسئله قومیت توجه کرده‌اند، دیگر نظریه‌های بزرگ جامعه‌شناسی چارچوبی موقعیت‌گرایانه را برای تحلیل قومیت انتخاب کرده‌اند (مالشوویچ، ۱۳۹۱: ۲۱۳ - ۲۱۴).

یکی از ابعاد، رویکرد موقعیت‌گرایی ناظر بر نقش عوامل سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در هویت‌طلبی قومی است. نظریه‌های سیاسی در مسائل قومی نقش عنصر قدرت و بی‌قدرتی را در تبیین این پدیده بررسی می‌کند. بر مبنای این نظریه‌ها اگر در جامعه فرصت دسترسی به منابع قدرت برای قومیتی کم شده باشد، این قومیت ممکن است در عکس العمل به این وضعیت سراغ هویت‌طلبی برود. یکی از صاحب‌نظران اصلی این رویکرد، مایکل هچتر است.

از آن، در زمان مداخله یا تهاجم خارجی، درگیری‌های شدید سیاسی و... و از لحاظ شکل بروز، در قالب چهار شکل پدیدار می‌شوند که دوتای آنها (خودمختاری و جدایی‌طلبانه) اساس قومی دارند. پژوهش‌های موجود نیز شدت یافتن قوم‌گرایی را در ابعاد سیاسی، فرهنگی و اجتماعی (جلایی‌پور، ۱۳۸۵، محمدزاده، ۱۳۹۰، سراج‌زاده و همکاران، ۱۳۹۳) و نمود آن را در قالب ملی‌گرایی قومی (Entesar, 1992; Vali, 2016; Romano, 2002) تأیید می‌کند. انتصار (۱۹۹۲) در کتاب *ناسیونالیسم قومی‌گرد* به روش تاریخی و اسنادی دلایل پیدایش ملی‌گرایی قومی در میان‌گردهای ترکیه، ایران و عراق را بررسی کرده است و او نیز روابط نابرابر مرکز - پیرامون، اشتراکات مذهبی و زبانی و نابرابری‌های اجتماعی را در تکوین خودآگاهی قومی و ملی‌گرایی قومی در میان‌گردها مؤثر می‌داند. طبق پژوهش محمدزاده (۱۳۹۰) بر روی نمونه‌ای از مردان ۱۸ تا ۶۵ ساله در استان‌های کردستان، آذربایجان غربی، کرمانشاه و ایلام، میان‌گوش‌های زبان کردی (اورامی، کلهری، سورانی و گرمانجی) نوع مذهب، استفاده از رسانه قومی و تبعیض با انواع قوم‌گرایی رابطه‌ای معنادار وجود دارد. درحقیقت، در این پژوهش تلاش شده است قدیمی‌گرایان و نوگرایان پیوند داده شوند.

مقاله حاضر، ضمن اذعان به برجسته شدن هویت‌طلبی قومی در نزد‌گردهای ایران و گسترش فزاینده شبکه‌های تلویزیون ماهواره‌ای‌گردی، شکل‌گیری اجتماعات مجازی قومی با درون‌مایه‌های ملی‌گرایانه، بین‌المللی شدن مسئله‌گرد (وان بروین سن^۱، ۱۳۷۹) هم‌جواری جغرافیایی (Gurr & Scarritt, 1989) و تشدید روابط و مناسبات بین‌فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی‌گردها (احمدزاده، ۱۳۸۶) در نظر دارد میزان هویت‌طلبی قومی را در مناطق کردنشین ایران ارزیابی کند. از وجوه متمایز این پژوهش نگاه تلفیقی به این مسئله و در نظر گرفتن نقش عوامل قدیمی، جدید و نقش جهانی‌شدن فرهنگی در سیاسی‌شدن مطالبات قومی و به بیان دیگر،

¹ Van Bruinessen

نامشروع و غیرعادلانه نیز وجود داشته باشد. از اینجا شرط دوم مطرح می‌شود: باید ارتباطات مناسبی بین اعضای گروه ستم‌دیده وجود داشته باشد (Hechter, 1975: 60).

به نظر مایکل هچتر، هنگامی که ساکنان قلمرو فرهنگی متمایزی در برابر ادغام در دولتی متمرکز مقاومت و برای حفظ نشانگرهای هویتی خود تلاش کنند «ملی‌گرایی حاشیه‌ای»^۱ پدیدار می‌شود و در سایه آن، نشانگرهای هویتی و فرهنگی گروه‌های قومی و نژادی صبغه سیاسی به خود می‌گیرد (Hechter, 2005: 60).

فتنون (2004) برای شناخت و تبیین منازعات قومی به دنبال تبیین این مسئله است که چگونه و در چه بین گروه‌های قومی هستند که به وسیله همبستگی قومی (نگاه به درون) یا خصومت قومی (نگاه به بیرون) برانگیخته می‌شوند. مطابق باور فتنون، برای تبیین منازعات قومی ضرورت دارد به فراتر از مدل «خود قومیت» یعنی به «وضعیت بیرونی» قابل تشخیصی نظر بیندازیم که مرزهای تمایز را به مرزهای جنگ مبدل می‌کند. هویت خواهی قومی و تمایزات فرهنگی در هر جامعه‌ای وجود دارد؛ اما مناسبت آن با فعالیت، به دلایلی که خارج از «خود قومیت» جای دارد، به‌طور چشمگیری کاملاً تغییر می‌کند. یکی از این دلایل، تضعیف و بی‌ثباتی نظام‌های دولتی و تمام شدن نظم‌های امپریالیستی است. دلیل دیگر، تشدید رقابت برای منابع و تحقیر فرهنگی و مادی به دلیل وضعیت نامساعد اقتصادی و محرومیت گروه‌های قومی است (Fenton, 2004: 179).

نظریه پردازانی چون آنتونی اسمیت، آصفا و پل پراس، نقش نخبگان را در جنبش‌های ناسیونالیستی مهم و حیاتی ارزیابی کرده‌اند. اسمیت به نقش روشنفکران بومی اشاره می‌کند که با زبان و فرهنگ قوم اکثریت آشنایی دارند. به نظر او گسترش دامنه کنترل دولت بر اقوام پیرامونی و گرایش روزافزون دولت به همگون‌سازی، به واکنش گروه‌های هدف منجر شده و وضعیت لازم را برای بسیج توده‌ای آنها به کمک

هچتر، هویت‌طلبی قومی و سیاسی شدن قومیت را در ارتباط با «استعمار داخلی»^۱ و «تقسیم فرهنگی کار»^۲ توصیف و تبیین کرده است (Hechter, 1975: 14-15). مطابق نظر او موج نامتوازن نوسازی در جامعه موجب می‌شود منابع قدرت بین گروه‌ها و اجتماعات مختلف جامعه به شکل نامتساوی توزیع شود؛ به طوری که در صورت بندی کلی اقلیت افراد از این منابع به صورت زیاد و بیشتر مردم از آنها به صورت کم برخوردار می‌شوند. اگر تفاوت‌های فرهنگی با نابرابری‌های اقتصادی عجین شود «تقسیم فرهنگی کار» پدیدار می‌شود و به تبع آن، جذب و ادغام سیاسی اجتماعات حاشیه‌ای در جامعه ملی به حداقل می‌رسد. ساختار قشر بندی مذکور ممکن است از لحاظ حقوقی تضمین شود و دولت از طریق اعمال سیاست‌های تبعیض آمیز، یعنی دسترسی متفاوت به نهادهای آموزشی و مذهبی نظام، نقش‌های اجتماعی ارزشمند را به اعضای اجتماعات محروم اختصاص ندهد (Hechter, 1975: 39-40). جایگاه گروهی در تقسیم فرهنگی کار بر فرصت‌های زندگی اعضای گروه اثر می‌گذارد و کم بودن کیفیت زندگی، احساس محرومیت شدید، تبعیض بر مبنای زبان، مذهب و دیگر اشکال فرهنگی را به دنبال خواهد داشت. تقسیم فرهنگی کار به تمایزات فرهنگی صبغه عینی و سیاسی می‌بخشد.

در این دیدگاه، همبستگی و چالش‌های قومی عکس‌العملی است که از جانب گروهی پیرامونی علیه استعمار مرکزی شکل می‌گیرد و این گروه از نظر فرهنگی مجزا هستند. هچتر، با توجه به مبانی نظری مارکسیسم، دو شرط دیگر را برای ظهور همبستگی مشخص می‌کند: نخست، باید نابرابری‌های اقتصادی عمده‌ای بین افراد قوم وجود داشته باشد؛ به طوری که این افراد ممکن است آن را جزئی از الگوی ستم جمعی ببینند. این نابرابری اقتصادی به خودی خود برای ایجاد همبستگی جمعی کفایت نمی‌کند؛ زیرا احتمال دارد آگاهی اجتماعی همراه با آن و تعریف وضعیت به صورتی

¹ internal colonial

² cultural division of labor

³ peripheral nationalism

جماعت‌ها منجر می‌شود که در جامعه معاصر، مهم‌ترین شکل هویت‌سازی است. این هویت شکل‌هایی از مقاومت جمعی را در برابر ظلم و ستم ایجاد می‌کند که در غیر این صورت، تحمل‌ناپذیر بودند. برای مثال، ملی‌گرایی مبتنی بر قومیت که غالباً از بطن احساس بیگانگی و احساس خشم علیه تبعیض ناعادلانه سیاسی، اقتصادی یا اجتماعی بر می‌خیزد، از این موارد است. هویت برنامه‌دار نیز به ایجاد سوژه (فاعل) می‌انجامد (کاستلز، ۱۳۸۰: ۵۰-۴۵).

بعضی از محققان ارتباطات را عاملی برای هم‌گرایی ملی و بعضی دیگر آن را عاملی برای واگرایی ارزیابی می‌کنند. کارل دوپیچ، در زمره صاحب‌نظرانی است که نقش ارتباطات را در رستاخیز قومی مؤثر می‌داند. او ملت را به صورت جامعه‌ای به هم پیوسته تعریف می‌کند که ارتباطات اجتماعی دارد و براساس باور او همان‌گونه که ارتباطات از طرق مختلف، مانند آگاهی‌دادن، نفوذ در دیدگاه‌ها و تغییر ایستارها و طرز تلقی‌ها به بروز ملی‌گرایی و کاهش مناقشات قومی و نژادی و فرهنگی منجر شده است، ادامه این روند موجب همبستگی و پیوند نزدیک‌تر در مقیاس جهانی خواهد شد (مقصودی، ۱۳۸۰: ۱۸۲). طبق اعتقاد والکر کاتر نیز ارتباطات به‌طور مهمی در خلق آگاهی قومی نقش ایفا می‌کند. این امر، زمانی مهم‌تر خواهد بود که دولت مرکزی بخواهد نفوذ فرهنگی خویش را در مناطق قومی گسترش دهد (سیدامامی، ۱۳۷۹: ۲۵۴-۲۵۳). از نظر کاستلز، فرایند جهانی‌شدن و به تبع آن، جامعه شبکه‌ای به دو دلیل، به تضعیف دولت ملی و هویت ملی مرتبط با آن می‌انجامد. در این فرایند، دولت ملی سلطه انحصاری و تا حدودی نفوذ خود را بر ابزارهای اجبار حفظ خواهد کرد. با جهانی‌شدن اقتصاد و سرمایه، دولت کنترل خود را بر اقتصاد ملی تا حد زیادی از دست می‌دهد. با گسترش و پیشرفت رسانه‌های جمعی و ارتباطی، فرهنگ از حیطة دست‌کاری و نفوذ دولت خارج می‌شود و با شکل‌گیری اجتناب‌ناپذیر شبکه‌ها و سازمان‌های جهانی و اتحادیه‌های منطقه‌ای بسیاری از حیطة های استقلال دولت در زمینه سیاست‌گذاری داخلی و

نخبگان قومی (روشنفکران علمی)^۱ فراهم آورده است (Smith, 1998: 186). پل براس، همچون هر ابزارانگار دیگری ناسیونالیسم و جنبش ناسیونالیستی را پدیده‌ای مربوط به نخبگان می‌داند که در هر زمانی حتی در مراحل اولیه دگرگونی قومی ظاهر می‌شود. به نظر او نخبگان قومی با استفاده از میراث فرهنگی و منابع جامعه، هویت قومی را شکل می‌دهند و در صورت لزوم، برای نیل به قدرت سیاسی بین گروه‌های قومی شکاف ایجاد می‌کنند.

تام نیرین، روشنفکر مارکسیست اسکاتلندی با طرح ایده «توسعه نامتوازن» قصد داشته است پدیده ناسیونالیسم را تحلیل و تبیین کند. او معتقد است ناسیونالیسم را باید برحسب ماتریالیسم درک کرد. نظریه توسعه نامتوازن، به عواملی چون وضعیت طبیعی و جغرافیایی، جمعیتی، ساختار برنامه ریزی و سیاست‌گذاری‌ها و سیر و هدف سرمایه‌گذاری بخش خصوصی توجه دارد و برای برخی مناطق کشور، توسعه اقتصادی و برای تعدادی دیگر از مناطق، عقب‌ماندگی را به همراه می‌آورد (مقصودی، ۱۳۸۰: ۱۳۸). نیرین، مدعی است که توسعه نامتوازن به ایجاد قومیت‌گرایی و عقب‌ماندگی صنعتی منجر می‌شود.

مانوئل کاستلز، در اثر سه جلدی *ظهور جامعه شبکه‌ای*، قدرت هویت و پایان هزاره با رویکردی جدید و با استناد به شواهدی از سراسر جهان، به گونه‌شناسی و دگرگونی‌های هویت‌های جمعی توجه کرده است. به تصور او ساخت اجتماعی هویت، همیشه در بستر روابط قدرت انجام می‌شود و یکی از صورت‌های هویتی هویت مقاومت است. این هویت به دست کنشگرانی ایجاد می‌شود که از طرف منطق سلطه، یا در وضعیتی بی‌ارزش قرار دارند یا بر آن وضعیت داغ‌ننگ زده می‌شود. سوم، هویت برنامه‌دار است که فعالان اجتماعی آن را با استفاده از مواد و مصالح فرهنگی به وجود می‌آورند و با توسل به آن، موقعیتشان را در جامعه از نو تعریف می‌کنند. مطابق نظر او هویت مقاومت به ایجاد

¹ Scientific intelligentsia

این احساس عقب ماندگی از دیگران که در نتیجه مقایسه خود با دیگران به وجود می آید، در مقیاس فردی به پیدایش بغض، حسادت و دیگر واکنش های عاطفی علیه فرد یا گروه رقیب منجر می شود و در مقیاس اجتماعی به تشدید تضادهای بین گروهی می انجامد (صالحی امیری، ۱۳۸۵: ۸۸). نظریه های چندعاملی در زمینه به وجود آمدن قومیت، بر مجموعه ای از عوامل تأثیرگذار تأکید دارند. اسملسر^۲، قوم گرایی را نوعی رفتار جمعی می پندارد که ناشی از مجموعه عواملی چون وضعیت ساختی، محرومیت عینی اقتصادی سیاسی یا اجتماعی ناشی از وضعیت ساختی و آگاهی از احساس محرومیت است (مقصودی، ۱۳۸۰: ۸۶).

چارچوب نظری

هویت طلبی قومی و سیاسی شدن قومیت، پدیده تاریخی تحول پذیری است که با عوامل عدیده ای در مقیاس های مختلف ارتباط دارد (Giles, 1997: 16). باتوجه به تنوع نظری در مفهوم شناسی این موضوع و تأمل در بسترهای تاریخی و اجتماعی هویت خواهی قومی در منطقه مدنظر (مناطق کردنشین) به کارگیری رویکرد تلفیقی ضروری به نظر می رسد. مالشویچ، در کتاب جامعه شناسی قومیت ضمن اذعان به ماهیت متنوع، پندارگونه و سیال قومیت، بر این باور است که توسعه دیدگاه ترکیبی نئووبری و نخبه محور، بهترین استراتژی در پیوند با نیازهای معرفت شناختی و سیاسی تلقی می شود. هدف هر دو رویکرد، پیوند دادن تفسیر سیاسی تکمیلی از قومیت با تأکید بر رفتار نخبگان، ژئوپلتیک و روابط دولت - قومیت است (مالشویچ، ۱۳۹۱: ۲۱۳).

طبق مهم ترین فرض پژوهش حاضر، هویت طلبی قومی سازه ای اجتماعی سیاسی است. ماهیت شناسه ها و مؤلفه های تشکیل دهنده اجتماع و گروه قومی قدیمی گرایانه است؛ اما به تبعیت از فتنون، برای تبیین دگردیسی مرزهای تمایز به مرزهای خصومت، در درجه نخست ضرورت دارد به فراتر از

خارجی از میان می رود و همچنین، با برجسته شدن بسیاری از هویت های خاص در داخل کشور، سلطه دولت و نقش آن در تعریف هویت ملی به چالش کشیده می شود. از جمله این هویت ها هویت های قومی و مذهبی هستند. جریان های جهانی سرمایه، کالا، خدمات، تکنولوژی، ارتباطات و اطلاعات به طور فزاینده ای کنترل دولت را بر زمان و مکان تضعیف کرده اند.

مطابق باور آنتونی اسمیت^۱، قومیت از راه سیاسی کردن گروه های قومی به رقابت منجر می شود. ناسیونالیسم قومی خصالتی مهم و ذهنی دارد. این ذهنیت، آن دسته از عوامل قومی را برمی گزیند که مناسب سیاسی کردن هستند. این پارادایم بر عناصر ذهنی تأکید می کند که وجود عوامل عینی را بی اهمیت نمی داند یا آنها را از قلمروی تحلیل خود کنار نمی گذارد؛ بلکه در این پارادایم، به عناصر ذهنی خاطره، ارزش ها، احساسات، اسطوره و نماد بیشتر اهمیت داده می شود و از این طریق تلاش می کند به دنیا های درونی قومیت وارد شود و آنها را بفهمد (اسمیت، ۱۳۸۳: ۸۴). سمبل ها نشانه های مختلفی از قبیل پرچم، توتم، سکه، آداب و رسوم، نام ها، اشعار، موسیقی، رنگ ها، بناها و یادمان های خاص و استفاده از پوشش خاص قومی معین هستند. تکلم به گویش و زبان محلی نشانه بقا و استمرار قوم و رمز بالندگی و همبستگی است. این عوامل، خصالتی نمادین دارند. براساس نظریه محرومیت نسبی رانسیمان، منشاء تضاد قومی ناشی از مقایسه وضعیت قوم خود با دیگران است. افراد جامعه زمانی احساس بی عدالتی یا محرومیت نسبی خواهند کرد که: ۱- منابع بین افراد و گروه های اجتماعی قومی کمیاب باشد و آنها برای استفاده از آن محدودیت داشته باشند، ۲- برای دست یابی به این منابع رقابت وجود داشته باشد و ۳- چنانچه فرد یا گروه به وسیله ای نیاز داشته باشد یا به آن احتیاج پیدا کند و این موضوع را بفهمد یا ببیند که دیگران (افراد یا گروه های دیگر) بدان دست یافته اند و او باوجود تمایل به آن، امکان به دست آوردنش را نداشته باشد (رفیع پور، ۱۳۶۴: ۲۰).

² Smelser

¹ Smith

هیچتر، روکان، ایسمن، لسنکی، نیرن، هانان و... و مطالعات تجربی گار و اسکاریت و انتصار» در این مطالعه، نقش ساختار سیاسی از طریق بررسی «میزان توسعه مناطق قومی» به صورت متغیر ساختاری کلان و به شکل اصلی‌ترین متغیر عینی در تکوین و تداوم هویت‌طلبی قومی بررسی می‌شود. بدیهی است برای تکوین و تداوم هویت‌خواهی قومی عامل نابرابری‌های اجتماعی لازم ولی ناکافی است. در سایه آگاهی بخشی عامل تبعیض، به شناسه‌های قومی توجه می‌شود و آگاهی از متفاوت بودن خود به جانب هویت‌خواهی قومی سیر می‌کند. نقطه اشتراک نظریه‌های فرهنگی وجود مبانی ذهنی در همه آنها است. در زیرمجموعه این رهیافت به عواملی چون احساس تبعیض و محرومیت نسبی و نقش آگاهی از جمله اطلاع‌رسانی، ارتباطات و نقش نخبگان قومی اشاره می‌شود. در چارچوب رویکرد نخبه‌محور، هویت قومی امری همیشگی و مشخص نیست؛ بلکه سازه‌ای اجتماعی سیاسی است. به تصور پل براس، فرهنگ برای قومیت، امری جوهری در نظر گرفته نمی‌شود؛ به طوری که استفاده از آن شامل گزینش عناصر فرهنگ و بیشتر برای بسیج سیاسی گروه‌ها است (مالشویچ، ۱۳۹۱: ۱۴۶). این عوامل به تبعیت از نام وضعیت ذهنی تکوین هویت‌طلبی قومی تعریف شده است. منظور از وضعیت ذهنی عواملی است که باید بر ذهن افراد گروه قومی تأثیر بگذارد و آنها را به صورت جمعی همبسته در آورد؛ به طوری که مفاهیمی یکسان را به اذهان همه بیاورد (امیراحمدی، ۱۳۷۴: ۱۵). نظریه‌پردازانی چون آنتونی - اسمیت، آصفا و پل براس نیز نقش نخبگان را در جنبش‌های قومی مهم و حیاتی ارزیابی کرده‌اند (Smith, 1998: 186).

یکی از متغیرهای زمینه‌ای اثرگذار دیگر در زمینه تکوین و شدت‌یابی هویت‌طلبی قومی موقعیت جغرافیایی است. در رویکردهای نئووبری از قومیت، بر نقش ژئوپولیتیک تأکید شده است (مالشویچ، ۲۰۱۳۹۱). این مسئله در قالب هم‌جواری جغرافیایی با مناطق برخوردار از قومیت مشابه و همچنین، قرارگرفتن در جایگاه پیرامونی و دوری از مرکز مطرح

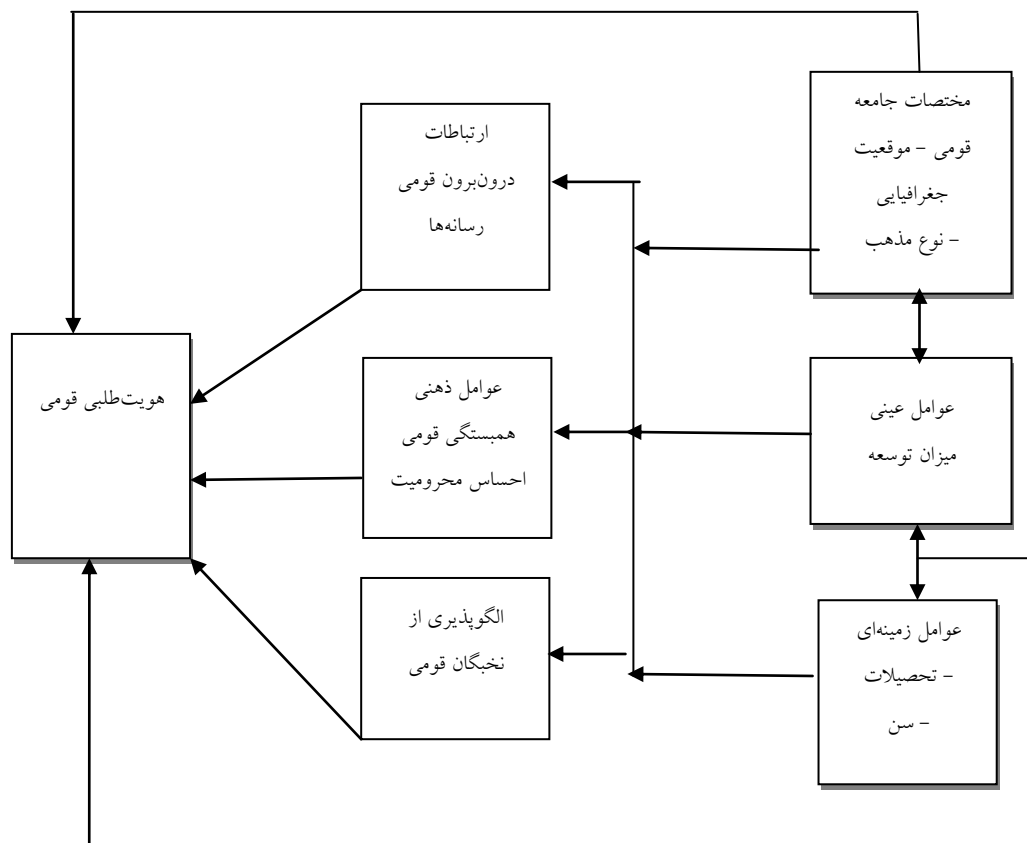
مدل «خود قومیت» یعنی به «وضعیت بیرونی» مشخصی توجه کنیم که مرزهای تمایز را به مرزهای خصومت تبدیل می‌کند. یکی از عوامل ناظر بر وضعیت بیرونی تکوین هویت‌طلبی قومی تبعیض و نابرابری اجتماعی است که این عامل، به آن دسته از تفاوت‌های میان افراد اشاره دارد که به صورت اجتماعی تعریف شده‌اند. این نابرابری‌ها بر شیوه زندگی افراد و گروه‌های مختلف، فرصت‌ها، پاداش‌ها و امتیازاتی که از آنها برخوردارند، به طور متفاوتی تأثیر می‌گذارد. تد رابرت گار و اسکاریت (1989) بر مبنای شماری از مطالعات تجربی نشان داده است که ترکیبی از محرومیت تحمیلی بیرونی (تبعیض و محیط سیاسی) و احساس شدید هویت قومی احتمالاً بیشترین منابع بسیج گروه‌های قومی هستند؛ هرچند نقش نخبگان سیاسی همچنان مرکزی است (Gurr and Scarritt, 1989:147). پتانسیل موفقیت نخبگان در اعمال نفوذ برای بسیج گروه‌های قومی به درجه انسجام درون‌گروهی وابسته است (Gurr and Scarritt, 1989:148).

نابرابری‌های مداوم اجتماعی بر ماهیت ساختاری تنش‌های اجتماعی و پتانسیل نارضایتی اجتماعی در میان اعضای گروه‌های قومی دلالت دارد که به تحقق تمایزات و شکاف‌های اجتماعی منجر می‌شود. وضعیت بیرونی و نابرابری‌های اجتماعی به پیروی از پژوهش یکی از محققان به صورت وضعیت عینی برجسته‌شدن هویت‌طلبی قومی معنا شده است (امیراحمدی، ۱۳۷۴: ۲۲). منظور از وضعیت عینی عواملی است که اعضای اجتماع قومی به آن تکیه می‌کنند و به شکل شواهد حرکت خود، با کمک آن خواسته‌های خود را توجیه می‌کنند و از جمله مهم‌ترین این عوامل، تبعیض و نابرابری‌های اجتماعی و مشارکت سیاسی (میزان دخالت در ساختار سیاسی) هستند. در این مقاله، عوامل مذکور به صورت میزان توسعه تعریف می‌شوند. ماهیت واکنشی هویت‌طلبی قومی در برابر سیاست‌های هویت‌سازی و هویت‌بانی عمدتاً از طریق اجرای برنامه‌های نوسازی و توسعه پیگیری و دنبال می‌شود؛ بنابراین، در توافق با دیدگاه‌های نظری «کاستلز،

به جز این عامل، میزان فاصله جمعیت‌های قومی از حکومت مرکزی بر عواملی چون نارضایتی و نیروهای گریز از مرکز افزوده می‌شود (امیراحمدی، ۱۳۷۴: ۱۹).

در این پژوهش، با مراجعه به بیشتر دیدگاه‌های نظری و منابع تجربی موجود و با بهره‌گیری از نتایج به‌دست‌آمده از مرور آنها و همچنین، با اتکا به بینش و تجارب زیسته برای تحلیل جامعه شناختی هویت‌طلبی قومی در مناطق کردنشین، چارچوب و مدل نظری پژوهش در نمودار (۱) تنظیم و در قالب آن، فرضیه‌های اصلی ارائه شده است.

می‌شود و پتانسیل مطالبات قومی را تقویت می‌بخشد. از نظر گار و اسکاریت، هم‌جواری جغرافیایی گردها پتانسیل بروز منازعات قومی را افزایش می‌دهد و چنین مسئله‌ای امکان بین‌المللی شدن منازعه و مداخله نیروهای خارجی را در قالب حمایت از اقلیت در معرض خطر، بیشتر می‌کند (Gurr & Scarritt, 1989: 31). از لحاظ تاریخی مردم سرزمین‌های کم‌وسعت نواحی جنگلی یا کوهستانی یا استان‌های هم‌مرز با سایر دولت‌هایی که جمعیت‌های قومی مشابه دارند، بیشتر و مؤثرتر از ساکنان استان‌های نواحی مرکزی حاوی جلگه‌های وسیع و هموار، جنبش‌های گروهی قومی را انجام داده‌اند.



نمودار ۱- مدل نظری پژوهش

فرضیه‌های پژوهش

فرضیه‌های مدنظر ما این موارد هستند:

۱. بین میزان توسعه مناطق و هویت‌طلبی قومی به طور معناداری رابطه وجود دارد؛
۲. بین میزان ارتباطات درون‌قومی و هویت‌طلبی قومی رابطه وجود دارد؛
۳. میزان ارتباطات بین قومی - فرهنگی و هویت‌طلبی قومی به‌طور معناداری باهم رابطه دارند؛
۴. بین میزان استفاده از رسانه‌ها (داخلی - قومی) و هویت‌طلبی قومی به‌طور معناداری رابطه وجود دارد؛
۵. میزان همبستگی قومی و هویت‌طلبی به‌طور معناداری با یکدیگر رابطه دارند؛
۶. بین میزان الگوپذیری از نخبگان قومی و هویت‌طلبی قومی به‌طور معناداری رابطه وجود دارد؛
۷. میزان احساس تبعیض و هویت‌طلبی قومی به‌طور معناداری باهم رابطه دارند؛

۸. موقعیت جغرافیایی و هویت‌طلبی قومی به‌طور معناداری با یکدیگر رابطه دارند؛
۹. متغیرهای زمینه‌ای (سن و میزان تحصیلات افراد) و هویت‌طلبی قومی به‌طور معناداری باهم رابطه دارند و
۱۰. بین مختصات شهرهای بررسی‌شده (مذهب و موقعیت جغرافیایی) و هویت‌طلبی قومی به‌طور معناداری رابطه وجود دارد.

روش‌شناسی تحقیق

تعاریف متغیرها

متغیر وابسته: هویت‌طلبی قومی

هویت‌طلبی قومی و سیاسی‌شدن قومیت، بر آگاهی از تفاوت، برجستگی ذهنی آن تفاوت و بسیج بر پایه آن دلالت دارد (Eller, 1999 in: گل‌محمدی، ۱۳۸۶: ۱۶۶). با الهام از سنخ‌شناسی هوشنگ امیراحمدی و مطالعات تجربی موجود، در این مقاله هویت‌طلبی قومی در ابعاد مختلف تعریف و عملیاتی شده است (Amirahmadi, 1987، عبداللهی و قادرزاده، ۱۳۸۲: ۱۱) (جدول ۱).

جدول ۱- تعریف عملیاتی، میزان سنجش، نتایج پایایی هویت‌طلبی قومی و ابعاد آن

ابعاد	تعریف عملیاتی	میزان سنجش	دامنه تغییر	ضریب آلفای کرونباخ
فرهنگی	ازدواج با هم قوم، پیگیری اخبار از کانال‌های گُردی خارج از کشور، معرفی کردن و تکریم از مشاهیر و مفاخر فرهنگی گُرد در صداوسیما، آموزش زبان کردی از مقطع ابتدایی در کنار زبان فارسی، تأسیس فرهنگستان زبان و ادبیات گُردی برای پاسداشت این زبان.	ترتیبی	۱-۵	
سیاسی	موافقت با شعار ایران برای همه ایرانیان، اعتماد عموم مردم کرد به رهبران گُرد، حق طبیعی مردم کرد برای پیگیری حقوق و خواسته‌هایشان از طریق انجمن‌ها، تصمیم‌گیری گُردها برای امور سیاسی خود، داشتن میهن و سرزمین و دفاع از آن، واگذاری اداره امور سیاسی در مناطق گُردنشین به خود کردها، درحالی‌که وزیر یا رئیس‌جمهور شدن گُردها ممکن نیست، حکومت گُردها بر مناطق گُردنشین.	ترتیبی	۱-۵	۰/۸۳۹
اقتصادی اجتماعی	اولویت انتخاب محل کار در مناطق گُردنشین، اولویت خدمت به کردها، اولویت سرمایه‌دار کردن برای سرمایه‌گذاری در مناطق گُردنشین، ناامنی مناطق گُردنشین برای گردشگری، فرصت دادن به گُردهای متخصص برای رسیدن به مقام‌های مهم سیاسی، اختصاص دادن اولویت استخدام نیرو در مناطق گُردنشین برای کردها.	ترتیبی	۱-۵	

متغیرهای مستقل

همبستگی قومی: همبستگی قومی شامل آن دسته از همبستگی‌هایی می‌شود که در درون دولت-ملت‌ها وجود دارد و به دنبال حفظ و گسترش خردده هویت خود هستند. همبستگی یعنی انسجام درونی بین چند نفر یا چند گروه که آگاهی مشترک داشته باشند. یکی از ابعاد همبستگی قومی تعهد اجتماعی است که این احساس، یعنی فرد خودش را کرد معرفی می‌کند و نسبت به آن تعهد دارد. در همبستگی قومی به جز دین، عنصر قومیت (گردبودن) هم نقش دارد و برای سنجش این متغیر، شاخص‌هایی مانند جان‌فشانی برای خاک کردستان، فخر و مباهات به لباس کردی، تعهد قومی، تلاش در راه آبادانی کردستان، پاسداری از تاریخ و فرهنگ کرد و... در نظر گرفته شده است.

میزان توسعه مناطق قومی: با وجود این تصور ساده و

عامیانه که مفهوم و فرایند توسعه امری بدیهی و مشخص محسوب می‌شود، معنا، فرایند و پویایی‌های توسعه بحث بسیار پیچیده، چندبعدی، عمیق و گسترده‌ای است. یکی از جالب‌ترین تعاریف این واژه، تعریف ویلبرت مور است که براساس آن، توسعه به معنای پیشرفت و دستیابی به مجموعه‌ای از اهداف رفاهی تلقی می‌شود. با توجه به اینکه سنجش وضعیت توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در مناطق گردنشین مدنظر، یکی از متغیرهای اصلی این پژوهش در مقیاس کلان است، برای تعیین و تحقق شاخص‌های توسعه در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آن، از برخی مطالعات تجربی (کلانتری، ۱۳۸۰: ۵۴ و قاسمی، ۱۳۸۷: ۳۹) بهره گرفته شده است. اطلاعات مربوط به میزان توسعه مناطق گردنشین، از مراکز اداری و سازمان برنامه و بودجه استانداری استان‌های گردنشین در سال ۱۳۹۴ تهیه شده است.

جدول ۲- شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شهرهای مدنظر

ردیف	استان	شهرستان	شاخص‌های اقتصادی		شاخص‌های فرهنگی		شاخص‌های اجتماعی - زیربنایی		رتبه در بین شهرهای مدنظر
			رتبه	ضریب توسعه	رتبه	ضریب توسعه	رتبه	ضریب توسعه	
۱	کردستان	سنندج	۱	۰/۲۳۰۸	۳	۰/۱۷۹۵	۳	۰/۳۴۶۲	۱
۲	کردستان	قروه	۳	۰/۳۲۶۹	۱۰	۰/۶۱۵۴	۱	۰/۲۱۷۹	۳
۳	کرمانشاه	پاوه	۱۴	۰/۸۸۴۶	۲	۰/۱۰۲۶	۹	۰/۵۱۲۸	۶
۴	آذربایجان غربی	مهاباد	۱۰	۰/۴۸۰۸	۱۱	۰/۶۶۶۷	۴	۰/۳۵۹۰	۷
۵	کردستان	بانه	۵	۰/۴۲۳۱	۹	۰/۶۱۵۴	۱۰	۰/۵۶۴۱	۹
۶	کرمانشاه	جوانرود	۱۳	۰/۸۴۶۲	۵	۰/۴۱۰۳	۱۴	۰/۸۲۰۵	۱۳
۷	آذربایجان غربی	سردشت	۱۱	۰/۶۷۳۱	۱۴	۰/۹۴۸۷	۱۱	۰/۶۶۶۷	۱۴

هرچه ضریب توسعه کمتر باشد، شهرستان مدنظر توسعه یافته‌تر است.

الگوپذیری از نخبگان قومی: نظریه پردازان ناسیونالیسم بیشتر نقش نخبگان قومی و تأثیر آنها را در شکل دادن و استفاده از نمادهای قومی و بسیج سیاسی گروه‌های قومی

بررسی کرده‌اند. منظور از نخبگان فکری شاعران، نویسندگان یا اهل قلم‌هایی هستند که از طریق سرودن اشعار قومی یا ارزیابی تاریخ، زبان و ریشه نژادی کردها در کتاب‌ها و

روابط درون قومی رابطه اجتماعی در میان اعضای گروهی قومی است که در اینجا در دو مقیاس بررسی می‌شوند: نخست در مقیاس هم قومان ساکن در ایران و دوم، در مقیاس هم قومان ساکن در ایران و دوم، در مقیاس هم قومان ساکن در کشورهای هم جوار در مقیاس فاصله‌ای.

موقعیت جغرافیایی (فاصله تا مرز): یکی از متغیرهای

اثراگذار در تکوین و شدت یابی هویت‌طلبی قومی موقعیت جغرافیایی است. مُراد از موقعیت جغرافیایی هم‌جواری جغرافیایی با مناطق شامل قومیت مشابه و همچنین، قرارگرفتن در جایگاه پیرامونی و دوری از مرکز است که پتانسیل مطالبات قومی را تقویت می‌کند. از نظر برخی محققان، هم‌جواری جغرافیایی گردها پتانسیل بروز منازعات قومی را افزایش می‌دهد (Gurr & Scarritt, 1989: 375-405). موقعیت جغرافیایی به صورت یکی از عوامل ثابت جغرافیایی در کنار وسعت خاک و وضعیت توپوگرافیک، در زمینه بحران‌های قومی نقش دارد (مقصودی، ۱۳۸۰: ۴۱۱). از لحاظ تاریخی مردم استان‌های هم‌مرز با سایر دولت‌های شامل جمعیت‌های قومی مشابه، بیشتر و مؤثرتر از ساکنان استان‌های نواحی مرکزی و حاوی جلگه‌های وسیع و هموار، جنبش‌های گروهی قومی را انجام داده‌اند. گذشته از آن، میزان فاصله جمعیت‌های قومی از حکومت مرکزی، بر نارضایتی و نیروهای گریز از مرکز افزوده می‌شود. در این پژوهش، این عوامل در نظر گرفته شده و در قالب میزان سنجش اسمی بررسی شده‌اند: استقرار در حاشیه مرزها، هم‌مرزی با کردهای ترکیه و عراق و نیز امکان برقراری ارتباط و پیوند با هم‌تباران خونی و فرهنگی در آن طرف مرز، کوهستانی و صعب‌العبور بودن، امکانات محدود مواصلاتی و ارتباطی - بهداشتی و آموزشی و....

برای سنجش میزان اعتماد یا پایایی آن دسته از مقیاس‌ها یا متغیرهای ترکیبی که با بیش از یک شاخص اندازه‌گیری شده‌اند، از ضریب آلفای کرونباخ و برای ارزیابی میزان اعتبار یا روایی ابزار اندازه‌گیری از روش‌های اعتبار صوری و درونی استفاده شده است. در جدول (۳) نتایج آزمون پایایی

نشریات، بر هویت‌خواهی قومی کردها تأثیرگذار بوده‌اند. برای سنجش این متغیر، شاخص‌هایی چون آشنایی و افتخار به مشاهیر کُرد (شاعران و نویسندگان) نقش نخبگان در سیاسی‌کردن علایق قومی مذهبی و ارتقاء آگاهی، نقش نخبگان مذهبی کُرد و تأیید اهداف احزاب کُردی در نظر گرفته شده است.

احساس تبعیض: منظور این است که اعضاء گروه قومی

در مقایسه با سایر گروه‌های جامعه خود، به شکلی نظام‌مند در زمینه حقوق یا دسترسی به موقعیت‌های سیاسی محدود بوده‌اند یا هنوز هم هستند (گار، ۱۳۸۱: ۴۰۶). براین اساس، مطابق باور افراد قومی آنها از دسترسی به قدرت، کالا و خدمات مطلوب و گردش نخبگان و... بی‌بهره‌اند. در مقیاس ترتیبی متغیر تبعیض در ابعاد سیاسی فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی با کمک این شاخص‌ها عملیاتی شده است: تقسیم ناعادلانه پست‌ها در مناطق قومی، محدودیت برای گردش نخبگان قومی، بی‌اعتمادی یکسان دولت به اقوام، احساس کردن وجود مانع قانونی در قبال خواست‌های قومی، سیستم نابرابر گزینش اقوام، احساس بیشتر شدن میزان بیکاری در منطقه و....

رسانه ارتباطی قومی: منظور از رسانه قومی فرستنده

رادیویی یا ماهواره‌ای است که برای اهداف قومی برنامه پخش می‌کند. امروزه، رادیو و تلویزیون‌های زیادی به زبان کُردی برنامه پخش می‌کنند که بیشتر ماهواره‌ای هستند و از خارج از مرزهای کشور این برنامه‌ها را ارائه می‌دهند. معرف‌های تجربی این متغیر، مصرف رسانه‌های جمعی فرامرزی (ماهواره‌ها) استفاده از شبکه‌های ماهواره‌ای در استان کردستان و متوسط ساعات استفاده مخاطبان از برنامه‌های شبکه‌های عمومی و کُرد است.

روابط درون قومی: روابط درون قومی یا شبکه‌های

غیررسمی به روابط افراد با هم قومان اطلاق می‌شود که در آنها روابط گرم و عاطفی و تعلقات و وابستگی‌ها بسیار شدید است (عبداللهی و قادزاده، ۱۳۸۲: ۱۷ و چلبی، ۱۳۸۰: ۹). منظور از

متغیرهای مستقل پژوهش آمده است.

جدول ۳- نتایج آزمون پایایی معرف‌های متغیر مستقل

ردیف	متغیر	تعداد شاخص	ضریب آلفای کرونباخ
۱	همبستگی قومی	۱۰	۰/۸۸۱
۲	ارتباطات درون‌قومی	۱۰	۰/۷۰۲
۳	ارتباطات بین‌قومی	۲۰	۰/۹۰۹
۴	الگوپذیری از نخبگان قومی	۷	۰/۸۹۹
۵	احساس محرومیت و تبعیض	۱۵	۰/۷۸۷
۶	استفاده از رسانه‌ها	۲۲	۰/۷۰۸

روش تحقیق

با در نظر گرفتن تنوع و گستردگی در آرایش فضای مناطق گردنشین، برای بررسی هویت‌طلبی قومی کردها در مقیاس وسیع، پیمایش^۱ مناسب‌ترین روش محسوب می‌شود. در پژوهش حاضر، از روش پیمایش مقطعی^۲ با دو هدف توصیف و تبیین استفاده شده است. در زمینه توصیف، هدف نشان‌دادن تصویری از چگونگی جامعه آماری براساس متغیرهای مدنظر به ویژه از نظر ابعاد هویت‌طلبی قومی و نوع غالب آن است. در مقیاس تحلیل یا تبیین نیز هدف یافتن روابط بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته و تلاش برای تبیین تغییرات یا به عبارت بهتر، واریانس متغیر وابسته براساس متغیرهای مستقل است. در این پژوهش برای سنجش متغیرها از ابزار پرسش‌نامه استفاده شده است.

جامعه آماری و نمونه‌گیری

کردها در ایران عمدتاً در استان‌های گردستان، آذربایجان غربی، کرمانشاه و ایلام ساکن هستند؛ به این ترتیب، جامعه آماری در دو مرحله انتخاب شده است. در مرحله نخست، تلاش شده است نقاط ثقل قومی (سایت تحقیق) تعیین و مشخص شوند. برای این کار به پیروی از مطالعات تجربی (چلی، ۱۳۸۰: ۱۱۸) جامعه آماری تحقیق عموماً به مناطق و شهرهایی محدود شده است که به جز داشتن نمادها و

نشانگرهای فرهنگی قومی و تراکم زیاد جمعیت، در چند دهه اخیر در آن مناطق، علایق قومی صبغه سیاسی بیشتری به خود گرفته باشد. در مرحله دوم، باتوجه به اینکه یکی از متغیرهای مستقل تحقیق «میزان توسعه مناطق گردنشین» است، سرانجام، در میان نقاط ثقل قومی مذکور، جامعه آماری از بین مناطق شهری توسعه‌یافته، در حال توسعه و توسعه‌نیافته انتخاب شده است. براین اساس، در مناطق گردنشین، شهرهای سنندج، قروه، و بانه (واقع در استان کردستان) پاره و جوان رود (واقع در استان کرمانشاه) و سردشت و مهاباد (واقع در استان آذربایجان غربی) به‌صورت جمعیت آماری (نقاط ثقل قومی) برگزیده شده اند و با در نظر گرفتن جمعیت آماری و براساس فرمول کوکران که در آن مقدار^۲ برابر با $1/96$ ، pq برابر با $0/25$ و d^2 برابر با $0/05$ بوده، حجم نمونه ۳۸۴ نفر برآورد شده است. فرمول کوکران برای نمونه‌گیری تصادفی و جمعیت‌های همگن کاربرد دارد. در مواردی مثل این مقاله، باتوجه به تنوع درونی و پراکندگی جامعه آماری و دقت بیشتر، برای حجم نمونه، طراحی اثر اعمال می‌شود؛ یعنی حجم نهایی فرمول کوکران، معمولاً در عدد ۲ ضرب خواهد شد. در این حالت، اگر ۳۸۴ را در عدد ۲ ضرب کنیم، عدد ۷۶۸ به دست خواهد آمد که اگر آن را گرد کنیم، به حجم نمونه نهایی ۸۰۰ خواهیم رسید. «در عمل مسئله تعیین‌کننده اصلی در تصمیم‌گیری درباره حجم نمونه بررسی جداگانه، خرده گروه‌های مختلف است. باید اطمینان یافت که حجم نمونه آن قدر بزرگ است که تعدادی کافی از خرده‌گروه‌های مستقل (مثلاً شهرها و مناطق مختلف) را در بر دارد. بنا بر قاعده تجربی باید کاری کرد که کوچک‌ترین خرده‌گروه، حداقل ۵۰ تا ۱۰۰ مورد باشد (دواس، ۱۳۸۱: ۸۰). همچنین، برای مقایسه با نقص پوشش و بی‌جوابی و تنوع جامعه آماری حجم نمونه به ۱۱۰۳ نفر ارتقا پیدا کرده است. باتوجه به جداول، حجم نمونه مدنظر ما در مقیاس اطمینان ۹۵ درصد قابل قبول است. برای دسترسی به نمونه‌ها نیز با در نظر گرفتن متغیر میزان توسعه مناطق قومی از روش نمونه‌گیری «احتمالی خوشه‌ای چندمرحله‌ای» استفاده شده است.

^۱ survey Method

^۲ Cross sectional

جدول ۴- جامعه آماری و حجم نمونه

ردیف	استان	شهر	جمعیت شهرستان	جمعیت شهری	جمعیت گروه سنی (۱۵-۶۴)	جمعیت شهری گروه سنی (۱۵-۶۴)	حجم نمونه
۱	کردستان	سنندج	۴۵۰۱۶۷	۳۷۵۲۸۰	۳۳۲۲۱۱	۲۸۰۳۸۸	۲۰۳
		قروه	۱۳۶۹۶۱	۸۷۷۹۲	۹۷۵۲۲	۶۳۳۳۷	۱۵۰
		بانه	۱۳۲۵۶۵	۹۰۳۰۴	۸۹۱۳۵	۶۱۲۲۸	۱۵۰
		جمع	۷۱۹۶۹۳	۵۵۳۳۷۶	۵۱۸۱۶۸	۴۰۴۹۵۳	۵۰۳
۲	آذربایجان غربی	مهاباد	۲۱۵۵۲۹	۱۴۸۲۳۰	۱۵۱۱۶۳	۱۰۵۴۲۵	۱۵۰
		سردشت	۱۱۱۵۹۰	۵۹۶۶۵	۷۴۶۰۱	۴۰۳۱۳	۱۵۰
		جمع	۳۲۷۱۱۹	۲۰۷۸۹۵	۱۵۵۷۶۴	۱۴۵۷۳۸	۳۰۰
۳	کرمانشاه	پاوه	۵۶۸۳۷	۳۰۲۴۲	۴۱۳۶۰	۲۲۲۷۷	۱۵۰
		جوانرود	۷۱۲۳۵	۵۱۴۸۳	۵۰۱۲۵	۳۶۸۰۷	۱۵۰
		جمع	۱۲۸۰۷۲	۸۱۷۲۵	۹۱۴۸۵	۵۹۰۸۴	۳۰۰
جمع	جمع کل	۱۱۷۴۸۸۴	۸۴۲۹۹۶	۷۶۶۱۱۷	۶۰۹۷۷۵	۱۱۰۳	

قروه) بوده‌اند.

توصیف و تحلیل اطلاعات

یافته‌های توصیفی: مختصات زمینه‌ای پاسخگویان

جمعیت نمونه، از لحاظ جنسیت ۴۸/۳ درصد زن و ۵۱/۷ درصد مرد بوده‌اند. از نظر وضع تأهل ۴۴ درصد مجرد، ۵۳/۱ درصد متأهل و ۲/۹ درصد نیز مطلقه بوده‌اند. میانگین سنی افراد نمونه ۳۵/۹ سال و انحراف معیار آن ۸/۵۴۷ بوده است. مذهب ۲۸/۱ درصد افراد نمونه شیعه بوده است و ۷۱/۹ درصد نیز سنی بوده‌اند. میزان تحصیلات افراد نمونه به این صورت بوده است: سواد خواندن و نوشتن ۱/۲ درصد، ابتدایی ۲/۱ درصد، راهنمایی ۸ درصد، دیپلم ۲۹/۳ درصد، کاردانی ۱۴/۹ درصد، کارشناسی ۳۱/۴ درصد، کارشناسی ارشد ۱۰/۹ درصد و تحصیلات در سطح دکتری ۲/۱ درصد. از لحاظ نوع فعالیت ۱۶/۲ درصد خانه‌دار، ۲/۷ درصد محصل، ۱۸/۳ درصد دانشجو، ۱۱/۴ درصد بیکار، ۳۸/۴ درصد شاغل تمام وقت و ۱۳ درصد از افراد نمونه شاغل نیمه وقت بوده‌اند. همچنین، توزیع درصدی جمعیت نمونه براساس میزان توسعه شهرها نشان می‌دهد ۲۸/۶ درصد جمعیت نمونه در شهرهای توسعه نیافته (سردشت و جوانرود) ۴۲/۸ درصد در شهرهای در حال توسعه (مهاباد، بانه و پاوه) و ۲۸/۶ درصد در شهرهای توسعه یافته (سنندج و

توصیف آماری متغیر وابسته: هویت‌طلبی قومی

در جدول (۵) میانگین و انحراف معیار شاخص‌های تشکیل دهنده هویت‌طلبی قومی آمده است. بر مبنای نتایج به دست آمده، میانگین هویت‌طلبی قومی معادل ۷۰/۲ است که براساس مقیاس ۰ تا ۱۰۰ بیشتر از حد متوسط ارزیابی می‌شود. شاخص ترکیبی هویت‌طلبی قومی در ۹ درصد از جمعیت نمونه کم، در ۴۷ درصد جمعیت متوسط و در ۴۴ درصد آن زیاد است. گذشته از آن، میانگین هویت‌طلبی قومی و ابعاد آن در شهرستان سردشت (۷۹/۱۷ درصد) بیشترین میزان را داشته است و بعد از آن شهرهای مهاباد (۷۸/۶۴ درصد)، پاوه (۷۶/۰۶ درصد) و جوانرود (۸۶/۷۴ درصد) سنندج (۷۳/۰۱ درصد) بانه (۷۰/۵۷ درصد) و قروه (۶۰/۶۱ درصد) قرار گرفته‌اند. به تفکیک استان‌ها استان آذربایجان غربی با میانگین ۷۸/۹ درصد بیشترین رتبه هویت‌طلبی قومی را داشته است و بعد از آن، استان کرمانشاه با ۷۵/۴۶ درصد و کردستان با ۶۸/۱ درصد قرار گرفته‌اند.

جدول ۵- توصیف آماری شاخص هویت‌طلبی قومی و ابعاد آن*

انحراف معیار	میانگین	درصد خالص	فراوانی	گزینه‌ها	هویت‌طلبی قومی
۳/۵۳۵	۷۰/۳۱	۷/۱	۷۸	کم	بُعد فرهنگی
		۴۴/۹	۴۹۵	متوسط	
		۴۸	۵۳۰	زیاد	
		۱۰۰	۱۱۰۳	جمع	
۴/۹۴۶	۶۹/۶۱	۹	۹۹	کم	بُعد سیاسی
		۴۸/۹	۵۴۰	متوسط	
		۴۲	۴۶۴	زیاد	
		۱۰۰	۱۱۰۳	جمع	
۴/۰۳۲	۷۰/۸۶	۵/۷	۶۳	کم	بُعد اقتصادی-اجتماعی
		۳۸/۲	۴۲۱	متوسط	
		۵۶/۱	۶۱۹	زیاد	
		۱۰۰	۱۱۰۳	جمع	
۱۰/۶۶۴	۷۰/۲	۹	۹۹	کم	شاخص هویت‌طلبی قومی
		۴۷	۵۱۹	متوسط	
		۴۴	۴۸۵	زیاد	
		۱۰۰	۱۱۰۳	جمع	

* برای سهولت فهم، میانگین هویت‌طلبی قومی و ابعاد آن، بر مبنای مقیاس ۰ تا ۱۰۰ تنظیم شده که صفر به معنای کم‌ترین و ۱۰۰ به معنای بیشترین میزان هویت‌طلبی قومی است.

توصیف آماری متغیرهای مستقل

احساس تبعیض: براساس نتایج به دست آمده، میانگین احساس تبعیض معادل ۶۳/۰۲ درصد است که بر مبنای مقیاس ۰ تا ۱۰۰ متوسط ارزیابی می‌شود. در میان ابعاد احساس تبعیض، موقعیت احساس تبعیض سیاسی محوری اولویت دارد و پس از آن، احساس تبعیض فرهنگی و اقتصادی-اجتماعی قرار گرفته‌اند.

الگوپذیری از نخبگان قومی: میانگین الگوپذیری از نخبگان قومی معادل ۶۴/۵۳ است که متوسط ارزیابی می‌شود. بنا بر اطلاعات جدول ۶ این الگوپذیری در ۱۶/۴ درصد جمعیت نمونه کم، در ۵۱/۶ درصد متوسط و در ۳۲ درصد زیاد بوده است.

همبستگی قومی: میانگین همبستگی قومی معادل ۷۴/۳۴ است که میزان آن زیاد است. میزان این همبستگی در ۱۱/۸ درصد جمعیت نمونه کم، در ۳۶/۶ درصد متوسط و در

۵۱/۶ درصد جمعیت نمونه زیاد بوده است.

روابط بین قومی: میانگین روابط بین قومی معادل ۴۸/۴۳ است که کمتر از میزان متوسط ارزیابی می‌شود. این روابط در ۳۵/۹ درصد جمعیت نمونه کم، در ۴۰ درصد متوسط و در ۲۴/۱ درصد جمعیت نمونه زیاد بوده است.

روابط درون قومی: میانگین روابط درون قومی نیز معادل ۵۸/۷۹ است که میزان آن متوسط محسوب می‌شود. این روابط در ۲۳/۶ درصد جمعیت نمونه کم، در ۵۱ درصد متوسط و در ۲۵/۴ درصد جمعیت نمونه زیاد بوده است.

استفاده از رسانه‌های داخلی: میانگین استفاده از رسانه‌های داخلی برابر با ۴۶/۵ درصد است که کمتر از مقدار متوسط ارزیابی می‌شود. استفاده از این رسانه‌ها در ۳۷/۸۶ درصد جمعیت نمونه کم، در ۵۱/۸ درصد متوسط و در ۱۰/۴ درصد جمعیت نمونه زیاد بوده است.

استفاده از رسانه‌های قومی: در پایان، میانگین استفاده از

این رسانه‌ها در ۲۷/۷ درصد جمعیت نمونه کم، در ۴۴/۴ درصد متوسط و در ۲۷/۹ درصد زیاد بوده است.

رسانه‌های قومی نیز معادل ۴۶/۸۵ است که کمتر از میزان متوسط محسوب می‌شود. بنا بر اطلاعات جدول، استفاده از

جدول ۶- توصیف آماری متغیرهای مستقل

انحراف معیار	میانگین	درصد خالص	فراوانی	گزینه‌ها	ابعاد متغیر	انحراف معیار	میانگین	درصد خالص	فراوانی	گزینه‌ها	ابعاد متغیر
		۲۳/۶	۲۶۰	کم				۹/۵	۱۰۵	کم	
۴/۱۳۰۸	۵۸/۷۹	۵۱	۵۶۳	متوسط	روابط	۹/۵۱۰۹	۶۳/۰۲	۵۳/۵	۵۹۰	متوسط	احساس
		۲۵/۴	۲۸۰	زیاد	درون‌قومی			۳۷	۴۰۸	زیاد	تبعیض
		۱۰۰	۱۱۰۳	جمع				۱۰۰	۱۱۰۳	جمع	
		۳۷/۸	۴۱۷	کم	استفاده از			۱۶/۴	۱۸۱	کم	الگوپذیری
۵/۳۳۹	۴۶/۵	۵۱/۸	۵۷۱	متوسط	رسانه‌های	۴/۷۷۵۲	۶۴/۵۳	۵۱/۶	۵۶۹	متوسط	از نخبگان
		۱۰/۴	۱۱۵	زیاد	داخلی			۳۲	۳۵۳	زیاد	قومی
		۱۰۰	۱۱۰۳	جمع				۱۰۰	۱۱۰۳	جمع	
		۲۷/۷	۳۰۶	کم	استفاده از			۱۱/۸	۱۳۰	کم	همبستگی
۱۳/۴۴۹	۴۶/۸۵	۴۴/۴	۴۵۹	متوسط	رسانه‌های	۴/۸۷	۷۴/۳۴	۳۶/۶	۴۰۴	متوسط	قومی
		۲۷/۹	۳۰۸	زیاد	قومی			۵۱/۶	۵۶۹	زیاد	
		۱۰۰	۱۱۰۳	جمع				۱۰۰	۱۱۰۳	جمع	
								۳۵/۹	۳۹۶	کم	
						۴/۹۵۳	۴۸/۴۳	۴۰	۴۴۱	متوسط	روابط
								۲۴/۱	۲۶۶	زیاد	بین‌قومی
								۱۰۰	۱۱۰۳	جمع	

بحرانی برابر با ۱/۹۶ است؛ بنابراین، چنین نتیجه گرفته می‌شود که میانگین هویت‌طلبی قومی و سیاسی شدن قومیت در زنان و مردان، به‌طور معناداری باهم تفاوت ندارند.

تفاوت میانگین هویت‌طلبی قومی بر حسب جنسیت مطابق اطلاعات جدول (۷) مقدار t محاسبه شده (۱/۵۰۶) از مقدار t بحرانی با درجه آزادی ۱۱۰۱ کوچک‌تر و میزان t

جدول ۷- تفاوت میانگین هویت‌طلبی قومی بر حسب جنسیت

میانگین مردان	میانگین زنان	انحراف استاندارد	اختلاف میانگین	t	درجه آزادی	سطح معناداری
۵۶/۶۷۵	۵۵/۷۱۱	۱۱/۰۸۴	۰/۹۰۶	۱/۵۰۶	۱۱۰۱	۰/۰۷۱

بحرانی برابر با ۱/۹۶ است؛ براین اساس، نتیجه گرفته می‌شود که میانگین هویت‌طلبی قومی در افراد اهل سنت و اهل تشیع، به‌طور معناداری با یکدیگر تفاوت دارند. باتوجه به

تفاوت میانگین هویت‌طلبی قومی بر حسب مذهب طبق اطلاعات جدول (۸) مقدار t محاسبه شده (۱۸/۴) از مقدار t بحرانی با درجه آزادی ۱۱۰۱ بزرگ‌تر و مقدار t

میانگین اهل سنت (۵۸/۶۷۶) و میانگین اهل تشیع می‌شود که هویت‌طلبی قومی در بین افراد اهل سنت بیشتر (۴۷/۶۴۲) و معنادار بودن اختلاف میانگین‌ها چنین ادعا است.

جدول ۸- تفاوت میانگین هویت‌طلبی قومی برحسب مذهب

میانگین اهل سنت	میانگین اهل تشیع	انحراف استاندارد	اختلاف میانگین	t	درجه آزادی	سطح معناداری
۵۸/۶۷۶	۴۷/۶۴۲	۱۰/۰۶	۹/۰۳۳	۱۸/۴	۱۱۰۱	۰/۰۰۰

هویت‌طلبی قومی

تفاوت میانگین هویت‌طلبی قومی برحسب میزان توسعه

جدول (۹) نتایج بررسی تفاوت میانگین هویت‌طلبی قومی را برحسب میزان توسعه شهرهای مدنظر نشان می‌دهد که طبق اطلاعات آن، هویت‌طلبی‌گراها با میزان توسعه رابطه دارد؛ بنابراین، هرچه میزان توسعه ارتقا یابد، میانگین هویت‌طلبی قومی کاهش می‌یابد. مطابق نتایج بیشترین میانگین شاخص تفاوت میانگین هویت‌طلبی قومی برحسب میزان توسعه

هویت‌طلبی قومی و ابعاد آن، در شهرهای توسعه نیافته است. بنا بر اطلاعات این جدول، مقدار F محاسبه شده (۰/۲۷۳) از مقدار بحرانی بزرگ‌تر است؛ بنابراین، نتیجه گرفته می‌شود که میانگین هویت‌خواهی قومی در سه مقیاس توسعه، به‌طور معناداری باهم تفاوت دارند. همچنین، چنین ادعا می‌شود که بین میزان توسعه و هویت‌طلبی قومی رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۹- تفاوت میانگین هویت‌طلبی قومی برحسب میزان توسعه

توسعه نیافته (جوانرود و سردشت)	در حال توسعه (پاوه، مهاباد و بانه)	توسعه یافته (سنندج و قروه)	F	درجه آزادی	سطح معناداری
۷۷/۰۱۵	۷۵/۲۷	۶۹/۸۹	۶۰/۹۴۱	۲	۰/۰۰۰

هویت‌طلبی قومی

نتایج تبیینی

براساس اطلاعات جدول (۱۰) چنین نتیجه‌گیری می‌شود که بین عواملی چون میزان توسعه، فاصله تا مرز، همبستگی قومی، الگوپذیری از نخبگان قومی، میزان تحصیلات، سن، احساس تبعیض، روابط بین قومی، روابط درون قومی، مصرف رسانه‌های داخلی و قومی و هویت‌طلبی قومی رابطه معناداری وجود دارد؛ یعنی با افزایش میزان توسعه، فاصله‌گیری از مرز، میزان تحصیلات، سن و مصرف رسانه‌های داخلی، هویت‌طلبی کاهش و با افزایش عواملی مانند الگوپذیری از نخبگان قومی، همبستگی قومی، احساس تبعیض، افزایش روابط بین قومی و درون قومی و مصرف رسانه‌های قومی، هویت‌طلبی قومی افزایش می‌یابد.

جدول ۱۰- ضرایب همبستگی متغیرهای مستقل با هویت‌طلبی قومی

هویت‌طلبی قومی	مقدار کندال	سطح معناداری	مقدار کاسکور	سطح معناداری
الگوپذیری از نخبگان قومی	۰/۴۴۲	۰/۰۰۰	۵۳/۴۰۲	۰/۰۰۰
همبستگی قومی	۰/۵۸۶	۰/۰۰۰	۸۸۴/۰۸۸	۰/۰۰۰
روابط بین‌قومی	۰/۲۱۹	۰/۰۰۰	۹۶/۷۴۵	۰/۰۰۰
روابط درون‌قومی	۰/۳۳۴	۰/۰۰۰	۲۱۴/۳۶۳	۰/۰۰۰
احساس تبعیض	۰/۳۸۷	۰/۰۰۰	۳۴۶/۳۴۱	۰/۰۰۰
مصرف رسانه‌های داخلی	-۰/۲۰۴	۰/۰۰۰	۱۰۰/۳۵	۰/۰۰۰
مصرف رسانه قومی	۰/۳۲۵	۰/۰۰۰	۲۱۳/۵۲	۰/۰۰۰
فاصله تا مرز	-۰/۱۷۵	۰/۰۰۰	۱۶۶/۳۸۸	۰/۰۰۰
سن	-۰/۰۹۲	۰/۰۰۰	۴۷/۱۴	۰/۰۰۰
تحصیلات	-۰/۰۷۷	۰/۰۰۵	۳۲/۴۳۹	۰/۰۰۰

تحلیل چندمتغیره

نتایج تحلیل رگرسیون در جدول (۱۱) نشان می‌دهد متغیر همبستگی قومی ۶۰ درصد تغییرات متغیر وابسته (هویت‌طلبی قومی) را تبیین کرده است و در مرحله بعد، متغیر الگوپذیری از نخبگان قومی به معادله اضافه می‌شود که قدرت تبیین را به ۶۴/۳ درصد می‌رساند. با اضافه شدن متغیر احساس تبعیض، قدرت تبیین معادله به ۶۵ درصد می‌رسد و همچنین، با اضافه شدن متغیر روابط درون‌قومی قدرت تبیین معادله ۶۵/۶ درصد می‌شود. در مرحله بعد، متغیر مصرف رسانه‌های داخلی وارد معادله شده که قدرت تبیین معادله را به ۶۶ درصد افزایش داده است. گذشته از آن، مصرف رسانه‌های قومی

قدرت تبیین معادله را به ۶۶/۳ درصد رسانده و با اضافه شدن متغیر میزان توسعه‌یافتگی قدرت تبیین معادله به ۶۶/۶ درصد رسیده است. متغیر وارد شده بعدی میزان توسعه است که با افزودن آن قدرت معادله ۶۶/۶ درصد می‌شود و با اضافه شدن متغیر نوع مذهب نیز قدرت تبیین معادله ۶۶/۹ درصد شده است. همچنین، با اضافه شدن متغیر روابط بین‌قومی قدرت تبیین معادله به ۶۷/۱ درصد می‌رسد. آخرین متغیر وارد شده به معادله، متغیر میزان تحصیلات است که با افزودن آن، قدرت تبیین معادله به ۶۷/۳ درصد افزایش پیدا می‌کند. در کل، متغیرهای مستقل در معادله ۶۷/۳ درصد تغییرات هویت‌طلبی قومی را تبیین می‌کنند.

جدول ۱۱- نتایج تحلیل رگرسیون هویت‌طلبی قومی

متغیرها	B	Se	Beta	t	F	sig	R square change
همبستگی قومی	۱/۱۶۵	۰/۰۴۵	۰/۴۷۹	۲۵/۸۷۱	۲۸۴۴/۹۶۱	۰/۰۰۰	۰/۶۰۰
الگوپذیری از نخبگان قومی	۰/۹۴۱	۰/۰۶۵	۰/۲۷۲	۱۴/۵۸۰	۱۹۶۹/۰۱۵	۰/۰۰۰	۰/۶۴۳
احساس تبعیض	۰/۱۸۷	۰/۰۳۰	۰/۱۰۷	۶/۲۸۱	۱۴۰۷/۹۹۳	۰/۰۰۰	۰/۶۵۰
روابط درون‌قومی	۰/۳۶۷	۰/۰۶۰	۰/۰۹۲	۶/۱۴۱	۱۱۲۰/۹۶۷	۰/۰۰۰	۰/۶۵۶
مصرف رسانه‌های داخلی	-۰/۱۶۴	۰/۰۴۶	-۰/۰۵۳	-۳/۵۲۹	۹۳۰/۹۸۷	۰/۰۰۰	۰/۶۶۰
مصرف رسانه‌های قومی	۰/۱۶۷	۰/۰۶۲	۰/۰۴۵	۳/۱۷۰	۷۸۸/۱۸۱	۰/۰۰۱	۰/۶۶۳
میزان توسعه	-۰/۱۰۹	۰/۰۴۲	-۰/۰۳۸	-۲/۸۴۶	۶۸۱/۳۹۴	۰/۰۰۴	۰/۶۶۶
مذهب	-۰/۰۷۱	۰/۰۲۵	-۰/۰۳۱	-۲/۳۲۴	۵۹۹/۵۰۹	۰/۰۰۷	۰/۶۶۹
روابط بین‌قومی	۰/۰۵۲	۰/۰۳۹	۰/۰۲۶	۲/۰۴۱	۵۳۴/۳۲۱	۰/۰۱	۰/۶۷۱
تحصیلات	-۰/۰۸۷	۰/۰۲۴	-۰/۰۲۶	-۲/۰۱۲	۴۸۹/۷۱۴	۰/۰۱	۰/۶۷۳
مقدار ثابت	۲۳/۴۸۱	۲/۳۰۳	-	۲۱/۱۰۸	-	۰/۰۰۰	-

بحث و نتیجه

پژوهش حاضر با هدف شناسایی و تبیین هویت‌طلبی قومی و سیاسی شدن قومیت در مناطق گُردنشین ایران انجام شده است. بر مبنای نتایج حاصل شده، هویت‌طلبی قومی در منطقه مدنظر بیشتر از مقدار متوسط ارزیابی می‌شود و میزان آن در نزد گُردهای اهل سنت، بیشتر است. کم بودن میزان هویت‌طلبی قومی در میان گُردهای شیعه، نشان‌دهنده نقش جداکننده مذهب در شکاف قومی است. این نتیجه، با مطالعه برخی پژوهشگران با عنوان «مطالعه کیفی مذهب و قوم‌گرایی در بین گُردهای شیعه و سنی» هم‌سو است (سراج‌زاده و همکاران، ۱۳۹۳). براساس این مطالعه، گُردهای شیعه، هویت قومی خود را به صورت زیرمجموعه هویت ملی ایرانی تعریف می‌کنند. نوع قوم‌گرایی در میان گُردهای سنی آشکارا خصصتی سیاسی دارد و یکی از مهم‌ترین مطالبات جنبش ناسیونالیسم قومی را در گُردستان نشان می‌دهد. مصاحبه‌شوندگان گُرد شیعه بر حقوق فرهنگی قوم گُرد تأکید کرده‌اند؛ درحالی‌که این حقوق بیشتر به مطالباتی همچون حفظ زبان و فرهنگ گُردی مربوط می‌شود و از نظر آنها برآورده شدن این مطالبات بدون وجود حاکمیت سیاسی گُردی نیز امکان‌پذیر است. این مسئله نقش و جایگاه محوری مذهب را در هویت جمعی منطقه مدنظر تأیید می‌کند. گذشته از آن، تأیید این رابطه از لحاظ نظری هم نقش آفرینی عوامل قدیمی (مذهب به صورت عامل ازلی در تکوین و تدام هویت‌خواهی قومی) را تأیید می‌کند و رویکرد قدیمی گرایان به شکل عاملی تمایزبخش به این مسئله توجه دارد.

بر مبنای نتایج تحقیق، احساس تبعیض به طور مستقیم با هویت‌طلبی قومی رابطه دارد. این نتیجه نیز نظریه ایسمن، دیوید مایر، گار و هچتر را تأیید می‌کند. به باور ایسمن، نابرابری اقتصادی به افزایش قوم‌گرایی منجر می‌شود؛ به این ترتیب، با توسعه اقتصادی تضاد قومی کاهش می‌یابد. طبق دیدگله مایر نیز این نابرابری تعصب و تبعیض را مشروعیت می‌بخشد و به احساس تنفر از گروه حاکم و

پرخاشگری علیه آنها و تقویت هویت‌طلبی قومی می‌انجامد. هچتر نیز برجسته شدن هویت‌های قومی و نژادی و ادغام گروه‌های قومی را درارتباط با نوسازی نامتوازن تبیین می‌کند.

طبق نتایج یکی از مطالعات با عنوان «مدیریت شکاف‌های قومی در کردستان جمهوری اسلامی ایران» شکاف‌های قومی در کردستان عمدتاً ساخت اجتماعی و اقتصادی داشته است. احساس محرومیت قوم کرد عمدتاً به دلیل وجود شکاف‌های مزبور و همچنین، برخی ضعف‌ها و کاستی‌های مدیریتی و بهره‌گیری نامناسب از ظرفیت‌های قانون اساسی جمهوری اسلامی در این زمینه است؛ بنابراین، برای برطرف کردن ضعف‌های موجود و اصلاح مدیریت شکاف قومی در کردستان، ابتدا باید مسیر کلی مدیریت شکاف‌های قومی با رویکردی کارآمدتر اجرایی و عملیاتی شود و این مسئله مبتنی بر رعایت اصل انصاف و عدالت و رفع نابرابری منجر به احساس محرومیت و همچنین، ظرفیت‌های قانون اساسی کشور است (ترابی و مجیدی، ۱۳۹۳).

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد با افزایش الگوپذیری از نخبگان قومی هویت‌طلبی قومی شدت می‌یابد. این نتیجه دیدگاه‌های نخبه‌گرایانه را تأیید می‌کند. در چارچوب این رویکرد، قوم‌گرایی ناشی از نقش و ابتکار نخبگان قومی است. درحقیقت، نخبگان قومی از طریق تفسیر فشارهای ساختاری و تبدیل آن به باورهای تعمیم یافته و پیوند دادن نابرابری‌های اجتماعی موجود، با زمینه‌های فرهنگی در سیاسی شدن قومیت سهمیم هستند.

همچنین، با افزایش ارتباطات در مقیاس درون قومی و بین قومی بر شدت هویت‌طلبی قومی افزوده شده است. این مسئله رویکرد نظری والکر کانر را تصدیق می‌کند که براساس آن، ارتباطات درون قومی و میان قومی هر دو نقش مهمی در خلق آگاهی قومی ایفا می‌کنند. ارتباطات درون قومی در تقویت انسجام اجتماعی درون قومی تأثیر دارند؛ به طوری‌که با افزایش ارتباطات بین قومی امکان مقایسه اجتماعی و اقتصادی برای افراد مهیا می‌شود. در صورت وجود شکاف در

... گویای این واقعیت است که مناطق گردنشین در ایران هنوز از مشکلات توسعه‌ای جدی رنج می‌برند؛ بنابراین، باید در مناطق قومی به این امور به‌طور ویژه توجه شود: از بین بردن تبعیض و نابرابری، تسهیل و رفع موانع موجود بر سر راه سرمایه‌گذاری در حوزه‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی اجتماعی، پیوند اقتصاد مناطق گردنشین با اقتصاد ملی، گسترش زیرساخت‌های توسعه و توزیع بهینه امکانات و ایجاد فرصت‌های اقتصادی.

مطابق نتایج، مصرف رسانه‌های داخلی در نزد ساکنان مناطق گردنشین چشمگیر نیست. این نتیجه با مطالعه کیفی قادرزاده و نبی‌زاده (۱۳۹۴) با عنوان «بازسازی معنایی زمینه‌ها، دلالت‌ها و پیامدهای بهره‌گیری جوانان از برنامه‌های تلویزیونی ماهواره» هم‌سو است. نتایج مصاحبه نشان می‌دهد غیبت سنن و فرهنگ قومی در رسانه‌های داخلی، یکنواختی شبکه‌های داخلی و برخورد گزینشی و سلیقه‌ای در بازنمایی نمادهای فرهنگی اقوام در رسانه‌های داخلی در پذیرش برنامه‌های تلویزیونی گردی ماهواره‌ای سهم بوده است و جوانان به دلیل همین مسائل، به این شبکه‌ها گرایش یافته‌اند. مطابق نتیجه مطالعه دیگری نیز امروزه بسیاری از گردها از شبکه‌های تلویزیونی و ماهواره‌ای برای حفظ و تداوم هویت قومی خود بهره می‌گیرند (Koivunen, 2002). در سال‌های اخیر، رویکرد رسانه‌های داخلی و به ویژه شبکه‌های استانی نسبت به فرهنگ‌های مختلف، در حال متعادل شدن است؛ اما این موضوع هنوز در برنامه‌سازی به جریان مسلط تبدیل نشده است.

در منطقه مدنظر، جایگاه محوری نخبگان به صورت گروه مرجع ایجاب می‌کند که باتوجه به ملاحظات شایسته‌سالاری نخبگان کرد در پست‌ها و مناصب مدیریتی سیاسی، فرهنگی و اجتماعی کشور به کار گرفته شوند (ترابی و مجیدی، ۱۳۹۳). در تمامی سطوح، باید از طریق به کارگیری نخبگان قومیت‌ها در هرم قدرت سیاسی و اجرایی کشور، به نخبگان و جایگاه آنها در تحقق اتحاد ملی توجه کرد. نخبگان در میان بخش‌های

میزان برخورداری مناطق، احساس تبعیض تقویت و به نوعی هویت‌طلبی قومی برجسته می‌شود.

متغیر موقعیت جغرافیایی براساس نقاط ثقل قومی به سه بخش توسعه نیافته، درحال توسعه و توسعه‌یافته تقسیم‌بندی شده که مطابق آن، با افزایش میزان توسعه، هویت‌طلبی قومی تعدیل شده است. نتایج نشان می‌دهد بیشترین میانگین شاخص هویت‌طلبی قومی در مناطق توسعه نیافته است. براساس نتایج، درزمینه متغیر «همبستگی قومی» هرچه این نوع همبستگی بیشتر می‌شود، میزان هویت‌طلبی قومی نیز افزایش می‌یابد. اسمیت، درخصوص تداوم و استمرار اقوام و شکل‌گیری ملت‌ها و ناسیونالیسم، بر عناصر ذهنی تأکید می‌کند. درواقع، او تأثیر عوامل عینی را انکار نمی‌کند؛ اما به عناصر ذهنی خاطره، ارزش، احساسات، اسطوره و نماد بیشتر اهمیت می‌دهد (اسمیت، ۱۳۸۳).

طبق یافته‌های تبیینی، میزان هویت‌طلبی قومی در مناطق گردنشین متوسط متمایل به زیاد است. بیشتر مناطق گردنشین جزو مناطق محروم و توسعه نیافته به شمار می‌آیند و مناطق و شهرهای بررسی شده از لحاظ موقعیت جغرافیایی و سیاسی در پیرامون و نیمه پیرامون این منطقه قرار دارند. مناطق گردنشین هنوز توسعه را به‌طور کامل و با تمام ابعاد آن تجربه نکرده‌اند و عموماً مناطقی کمتر توسعه یافته به شمار می‌روند. شدت یافتن احساس تبعیض در ابعاد سیاسی، فرهنگی و اقتصادی اجتماعی با میزان توسعه مناطق گردنشین بی‌ارتباط نیست. باوجود اجرای برنامه‌های توسعه، مسیر و مختصات توسعه در بیشتر مناطق گردنشین در مقایسه با دیگر مناطق ایران، از جنبه‌های متفاوت با مشکل مواجه بوده است. به عنوان مثال، در حوزه اقتصادی مسائلی مانند بیکاری، اشتغال کاذب، قاچاق، خروج سرمایه‌های اقتصادی - انسانی بومی از مناطق قومی، درزمینه اجتماعی - فرهنگی مسائلی از قبیل بی‌سوادی، کم‌سوادی، مسئله بهداشت مخصوصاً در نواحی روستایی، تحولات ارزشی، تضعیف سرمایه اجتماعی و در حیطه سیاسی، غلبه نگاه امنیتی و سیاسی به مناطق گردنشین و

احمدزاده، ه. (۱۳۸۶). *از رمان تا ملت: پژوهشی در گفتمان روایی فارسی و گُردی*، ترجمه: بختیار سجادی، سندج: انتشارات دانشگاه گُردستان.

اسمیت، آ. د. (۱۳۸۳). *ناسیونالیسم، نظریه، ایدئولوژی، تاریخ*، ترجمه: منصور انصاری، تهران: نشر تمدن اسلامی.

امیراحمدی، ه. (۱۳۷۴). «در جستجوی مفهوم سیاست‌های قومی»، ترجمه: شراره حسامی، *ماهنامه جامعه سالم*، دوره ۵، ش ۲۱، ص ۲۰۷-۲۳۳.

بشیریه، ح. (۱۳۸۰). *جامعه‌شناسی سیاسی، نقش نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی*، تهران: نشر نی.

بلالی، ا. (۱۳۸۴). *عوامل ساختاری مؤثر بر تحریم اجتماعی اقوام در ایران: مطالعه موردی گُردها و ترک‌ها*، رساله دکتری، دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس.

تامپسون، د. (۱۳۷۰). «ناسیونالیسم اروپایی»، ترجمه: خشایار دیهیمی، *نگاه نو*، س ۱، ش ۴، ص ۶۷-۷۵.

ترابی، ی. و مجیدی، ی. ع. (۱۳۹۳). «مدیریت شکاف‌های قومی در کردستان جمهوری اسلامی ایران» *فصلنامه پژوهش‌های راهبردی*، س ۳، ش ۱۱، ص ۲۹-۹.

جلایی‌پور، ح. ر. (۱۳۸۵). *فراز و فرود جنبش گُردی (۶۷-۱۳۵۵)*، تهران: لوح فکر.

چلبی، م. (۱۳۸۰). *هویت قومی و رابطه آن با هویت ملی در ایران*، تهران: دفتر امور اجتماعی وزارت کشور.

دواس، دی. ای. (۱۳۸۱). *پیمایش در تحقیقات اجتماعی*، ترجمه: هوشنگ ناییبی، تهران: نی.

رفیع‌پور، ف. (۱۳۶۴). *توسعه و تضاد*، تهران: شرکت سهامی انتشار.

سراج‌زاده، ح.؛ قادرزاده، ا. و رحمانی، ج. (۱۳۹۳). «مطالعه کیفی مذهب و قوم‌گرایی در میان کردهای شیعه و سنی»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، س ۱۵، ش ۴، ص ۲۹-۳.

مختلف جامعه، گروه مرجع محسوب می‌شوند و بدون همدلی و همراهی، توجیه، اقتناع، همفکری و مشورت مستمر با آنها سیاست‌های وحدت ملی بی‌نتیجه خواهد ماند؛ به همین دلیل، باید با نخبگان فعال در میان اقوام، مذاهب، احزاب و لایه‌های مختلف جامعه با تعامل برخورد کرد و با ایجاد حس همبستگی و قرابت، جامعه را به طرف همدلی و اتحاد سوق داد.

با در نظر گرفتن شیوه زندگی چندفرهنگی جامعه ایران و اذعان به وجود اشتراکات فرهنگی و سرنوشت مشترک تاریخی به شکل عامل پیونددهنده و انسجام بخش اقوام ایرانی در کلیت فرهنگ و اجتماع جامعه ایران، ضرورت دارد در این زمینه، تنوع فرهنگی (آن‌گونه که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز به رسمیت شناخته شده است) مبنای سیاست‌گذاری قرار گیرد. از الزامات سیاست‌گذاری در جامعه چندفرهنگی ایران، گذار از ناسیونالیسم فرهنگی به ناسیونالیسم مدنی یا مهین پرستی قانونی (به تعبیر هابرماس) و اتکا به شهروندی برای تقویت ادغام اجتماعی و وحدت ملی است؛ بنابراین، ضرورت دارد تدابیری اندیشیده شود تا هم‌زمان با تأمین همبستگی ملی، خواسته‌ها و مطالبات اجتماعات قومی نیز (با رویکردی همه‌جانبه و کل‌نگر در ابعاد اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی) تحقق یابد؛ زیرا با تحقق و عملیاتی‌کردن اصول مندرج در قانون اساسی آسیب‌پذیری امنیت ملی به کمترین میزان ممکن کاهش می‌یابد.

منابع

اوزکریملی، ا. (۱۳۸۳). *نظریه‌های ناسیونالیسم*، ترجمه: محمدعلی قاسمی، تهران: مؤسسه مطالعات.

احمدی، ح. (۱۳۷۸). *قومیت و قوم‌گرایی در ایران، از افسانه تا واقعیت*، تهران: نشر نی.

- سیدامامی، ک. (۱۳۷۹). «میزگرد سیر تحول تاریخی هویت ملی در ایران»، فصلنامه مطالعات ملی، س ۲، ش ۵، ص ۶۷-۱.
- صالحی امیری، ر. (۱۳۸۵). مدیریت منازعات قومی در ایران، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.
- ضیاء الدین، ا. (۱۳۶۵). نگاهی بر جنبش ناسیونالیسم عرب، تهران: وزارت ارشاد اسلامی، اداره کل انتشارات و تبلیغ.
- طالبی، ا. و عیوضی، ی. (۱۳۹۴). «هویت‌طلبی قومی در فضای مجازی»، فصلنامه برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، ش ۱۶، ص ۱۷۲-۱۳۵.
- عبداللهی، م. و قادرزاده، ا. (۱۳۸۲). «فاصله قومی در ایران و عوامل مؤثر بر آن»، علوم اجتماعی، س ۴، ش ۲۴، ص ۲۳-۱.
- قادرزاده، ا. (۱۳۸۸). هویت جمعی غالب‌گردها در کشورهای ایران و عراق، رساله دکتری، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- قاسمی، و. (۱۳۸۷). شناسایی مناطق کمتر توسعه یافته کشور (جلد دوم)، اصفهان: معاونت برنامه‌ریزی استانداری اصفهان.
- فراهانی، ع. (۱۳۸۶). «مطالعات قومی: مفاهیم و نظریه‌ها»، پژوهشنامه تنوع فرهنگی و همبستگی ملی، س ۵، ش ۸، ص ۹۵-۷۹.
- کاستلز، م. (۱۳۸۰). عصر اطلاعات، قدرت هویت، ترجمه: حسن چاوشیان، تهران: طرح نو.
- کریمی‌مله، ع. (۱۳۸۸). آینده‌شناسی هویت‌های جمعی تهران، تهران: مؤسسه مطالعات ملی.
- کلانتری، خ. (۱۳۸۰). برنامه‌ریزی و توسعه منطقه‌ای (تئوری‌ها و تکنیک‌ها)، تهران: خوشبین.
- گل‌محمدی، ا. (۱۳۸۶). جهانی‌شدن، فرهنگ، هویت. تهران: نی.
- گار، ت. ر. (۱۳۸۱). چرا انسان‌ها شورش می‌کنند؟ ترجمه: علی مرشدی زاد، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ماتیل، ا. (۱۳۸۳). دایره‌المعارف ناسیونالیسم، ترجمه: زیر نظر کامران فانی و محبوبه مهاجر، کتابخانه تخصصی وزارت خارجه، تهران.
- ماتیل، ا. (۱۳۸۳). خاورمیانه، دایره‌المعارف ناسیونالیسم، ترجمه: زیر نظر کامران فانی و محبوبه مهاجر، تهران: کتابخانه تخصصی وزارت خارجه.
- محمدزاده، ح. (۱۳۹۰). عوامل مرتبط با انواع قوم‌گرایی در میان کردهای ایران، رساله دکتری جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی.
- مقصودی، م. (۱۳۸۰). تحولات قومی در ایران؛ علل و زمینه‌ها، تهران: مؤسسه مطالعات ملی.
- مک‌داول، د. (۱۳۸۳). تاریخ معاصر کرد، ترجمه: ابراهیم یونسی، تهران: پانید.
- مالشویچ، س. (۱۳۹۱). جامعه‌شناسی قومیت، ترجمه: یعقوب احمدی و حسین محمدزاده، کرمانشاه: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- وان بروین سن، م. (۱۳۷۹). آغا، شیخ و دولت: ساختارهای اجتماعی و سیاسی کردستان، ترجمه: ابراهیم یونسی، تهران: پانید.
- هی‌وود، ا. (۱۳۸۳). درآمدی بر ایدئولوژی‌های سیاسی (از لیبرالیسم تا بنیادگرایی دینی)، ترجمه: محمد رفیعی مهرآبادی، تهران: وزارت امور خارجه.
- Amirahmadi, H. (1987) "A Theory of Ethnic Collective Movements and Its Application to Iran", *Ethnic and Racial Studies*, 10(4):363-391.
- Entesar, N. (1992) *Kurdish Ethnonationalism*, The United States of America: Lynne Rienner Publishers.
- Fenton, S. (2004) "Beyond Ethnicity: The Global Comparative Analysis of Ethnic Conflict". *International Journal of Comparative Sociology*, 45 (3-4): 179-194.
- Langue, Ethnicity and intergroup relations. (1997) *Giles. Hassociation of experimental social psychology*, London, European.

- Giles, H. (1997) *Language, Ethnicity and intergroup relations*, London, European association of experimental social psychology.
- Guibernau, M. (2001) *Globalization and Nation-State*. In Guibernau, M & Hutchinson, J (Eds) *Understanding Nationalism*, Cambridge: Polity Press.
- Gurr, T. and Scarritt, J.R. (1989) "Minorities at Risk: A Global Survey". *Human Rights Quarterly*, 11(3): 375-405.
- Hechter, M. (1975) *Internal Colonialism: The Celtic Fringe in British Nional Development, 1536-1966*, London and Henley: Routledge & Kegan Paul.
- Hechter, M. and Kuyucu, T. and Sacks, A. (2005) "Nationalism and Direct Rule" in Delanty, G and Kumar, K. (Eds), *Handbook of Nations and Nationalism*. London: Sage.
- Koivunen, K. (2002) "Premodern People Using Postmodern Technology". The 5th Conference of The European Sociological Association. 192-288.
- Olson, R. (1989) *The Emergency of Kurdish Nationalism, and the Sheikh Said Rebellion*, University of Texas, Austin.
- Ramezanzadeh, A. (1994) *Ethnic Conflict In Iran*, A Comparative Study Department Politick Weten Schappam, K.U Leuven Ph.D Theiss.
- Romano, D. (2002) "Modern Communication Technology in ethnic nationalist Hands: The case of the Kurds", *Canadian Journal of Political Science*, 35:127-149.
- Smith, A. D. (1998) *Nationalism and Modernism*, London & New York, Routledge.
- Vali, A. (1998) "The Kurds and Their Others: Fragmented Identity and Fragmented Politics". *Comparative Studies of South Asia, Africa and The Middle East*, 18(2):82-95.